

مقدمه

سخنی با همکاران

با تهیه‌ی کتاب سال سوم راهنمایی، مرحله‌ی ابتدایی آموزش زبان عربی به پایان می‌رسد. آموزش در این مرحله از ویژگی‌هایی برخوردار است که نادیده انگاشتن آن‌ها موجب عدم توفیق در تحقق بخشیدن به اهداف این مرحله خواهد شد. از این رو مطالعه‌ی این مقدمه در کنار آنچه که در کتاب‌های پیشین ذکر شده برای همکاران پیش از شروع به تدریس ضروری و لازم است.

قبل از تبیین و توضیح محتوای کتاب، صحبت کنیم لازم است دو نکته را گوشزد

کنیم:

۱- آموزش زبان عربی در مدارس با هدف تقویت قوه‌ی فهم و درک از متن تهیه و تدارک شده است و لذا همه‌ی تلاش‌ها سرانجام باید به این جا منتهی شود که دانش‌آموز بتواند از یک متن، معنای مناسب و صحیحی را دریافت کند. در این رویکرد، اهداف و توانایی‌های دیگر زبانی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. بدین خاطر در آموزش قسمت‌های مختلف کتاب، همیشه باید این هدف محوری را سرلوحه‌ی روش‌ها و سیاست‌ها و آموزش‌های خود قرار دهیم و پس از پایان هر سال از آموزش، این توانایی را محک بزیم تا بسنجیم که تا چه میزان، این امر محقق شده است. در این رویکرد، متن قرآنی و دعایی و متن‌هایی از فرهنگ اسلامی، از جمله متونی هستند که می‌توان هر از چندگاهی با انتخاب جملات و متونی از آن‌ها، این توانایی را بیازماییم تا برای ادامه‌ی کار آماده‌تر و تواناتر گردیم و مشکلات احتمالی را بهتر تشخیص دهیم و چه بسا راه‌حل‌های مناسب‌تری بیابیم!

۲- رویکرد حاکم بر سیاست‌های تألیفی در تمامی زمینه‌ها عبارت است از دو نکته‌ی

کلیدی؛ اول «تسهیل» و دوم «جدّائیت». از آن جا که آموزش زبان قرآن، قرن‌ها است که با نوعی

دشواری و سنگینی همراه شده که نتیجه‌ی آن این شده که مخاطب در نگاه اول احساس می‌کند یادگیری این زبان سخت و پیچیده و چه بسا محال است، لذا از ابتدا سعی شده که آموزش با نوعی تسهیل و آسان‌سازی همراه گردد. هر مطلبی که فراتر از قوه‌ی ذهنی دانش‌آموز بوده کنار گذاشته شده و در مطالب گردآوری شده هم تلاش شده در نهایت سادگی و فارغ از هرگونه دشواری باشد. به منظور تحقق هرچه بهتر این سیاست سعی بر این بوده که نگاه «قاعدہ» محور در آموزش این زبان جای خود را به «فهم» و «معنی» و «درک» بدهد. و به «قواعد» تنها به عنوان کلیدی برای فهم معنی نگاه شود.

سیاست دوم یعنی «جذابیت» نیز در کنار «تسهیل» به کمک گرفته شد تا مخاطب ریمده از این زبان را بهتر بتوان در حلقه‌ی آموزش قرار داد. هر چند بهره‌گیری از واژگان قرآنی و متون قرآنی و روایی اصل اساسی در انتخاب متون و تمرینات بود، اما کوشش شده که با رعایت این اصل از تکرارگویی و طرح موضوعات و جملات مشابه – با دروسی مانند قرآن و دینی – پرهیز شود. انتخاب داستان‌ها و پرداختن به وقایع و قصه‌های قرآنی و اجتماعی و طنز و... و بهره‌گیری از تصاویر متعدّد و استفاده از طرح‌ها و کادرهای هندسی مختلف همه در این چارچوب معنی و مفهوم پیدا می‌کند. در طرح آموزش قواعد نیز سعی شده که با اجتناب از روش‌های سنتی، از روشی استفاده شود که دانش‌آموز در عین بازی و سرگرمی و شنیدن قصه، محتوای موردنظر را دریافت کند و سپس با تکرار و تمرین و ممارست، آن‌ها را در ذهن خود متمرکز سازد. تأکید بر استفاده از وسایل کمک‌آموزشی و بهره‌گیری از روش مسابقه و سرگرمی برای القای مطالب، همه و همه در جهت تحقق این سیاست محوری است که آموزش زبان قرآن می‌بایست از چارچوب‌های تنگ و دل‌زده و خسته‌کننده‌ی گذشته دل برکند و فضایی با نشاط و توأم با سرور و جنبش و حرکت ایجاد نماید تا که مخاطب این زبان بتواند تعاملی مبارک و میمون با این درس برقرار کند. با روشن شدن «هدف» از آموزش زبان عربی و نیز تبیین رویکردها باید بسیاری از سوالات و ابهامات احتمالی در مورد علل و چگونگی انتخاب محتوا و متون و گزینش واژه‌ها و تصاویر و... برطرف شده باشند. با این حال با درنظر گرفتن این استراتژی کلی، نکات جزئی‌تری به نظر می‌رسد که لازم است مدرس این درس در جهت تحقق اهداف موردنظر به آن‌ها توجه ویژه نماید از جمله:

۱- در کتاب‌های موجود نگاه «قاعدہ محور» جای خود را به نگاه «متن محور» داده است. توجه به معنی و راه‌های وصول به آن، همان هدف کلیدی و نهایی آموزش این درس است. و از این رو از کتاب اول تا کتاب سوم تلاش شده موضوعات قواعدی به شکلی مطرح شود که مباحث درسی از حالت خشک و بی‌روح گذشته خارج شده و فضایی از تحرک و نشاط و سرزندگی و جنبش در فضای کلاس و فرآیند آموزش سایه بیاندازد.

بیان مستقیم قواعد و پرداختن بدون زمینه و مقدمه به موضوعات دستوری و توجه یکسویه به مسایل زبانی و غفلت از مهارت‌ها و توانایی‌های دیگر زبانی موجب سرخوردگی و عدم تعامل

عاطفی دانش‌آموز با معلم و کتاب می‌شود. اگر دغدغه‌ی آموزش زبان قرآن و پرورش دانش‌آموزان علاقمند به این زبان، فکر ما را به خود مشغول داشته، باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که لازم است در روش‌های آموزشی خود قدری انعطاف به خرج دهیم و اگر از روش‌های فعال و برنامه‌هایی که مخاطب را به تحرک و فعالیت وامی‌دارد و چاشنی کردن مسابقه و بازی و سرگرمی و بهره‌گیری از وسایل کمک‌آموزشی استفاده نمی‌کنیم وقت آن رسیده که دیگر قدری تأمل کنیم و تلاش نماییم تا از این روش‌های جذاب مخاطب در کنار تجربیات و روش‌هایی که خود در طول سالیان سال به‌دست آورده‌ایم بهره‌گیری کنیم تا در نهایت به هدفی برسیم که همگی ما خواهان وصول به آن هستیم و آن جذاب نمودن آموزش زبان قرآن برای دانش‌آموز ریمیده از درس و بحث و کلاس و... است! در این میان پرداختن به موضوعات دستوری بیش از آن‌چه که در کتاب درسی آمده از هیچ وجهی برخوردار نیست! چرا که موضوعات موردنیاز دانش‌آموزان در یک برنامه‌ی مدون و طراحی شده و براساس یک مطالعه‌ی برنامه‌ریزی شده، جمع‌آوری گشته که به تدریج دانش‌آموزان تا پایان دوره‌ی متوسطه با آن‌ها آشنا می‌شوند. پرداختن پیش از موعد و یا غور و بحث و فحص در جزئیات مسایل زبانی، نتایج زبان‌باری به‌بار خواهد آورد که حداقل آن احساس دشواری و سنگینی فراگیر نسبت به مواد آموزشی و در نهایت ریمیدگی و بی‌زاری مخاطب نسبت به زبان وحی و زبان قرآن است.

معلم این درس باید این نکته را آویزه‌ی گوش خود قرار دهد که بزرگ‌ترین مسئولیت او در این برهه‌ی زمانی نسبت به این درس، آن است که زبان قرآن را به لطایف‌الحیل مجذوب مخاطبان خود قرار دهد. او بیش از آن که در پی توسعه‌ی محفوظات حوزه‌ی علمی دانش‌آموزان در این درس باشد، باید سعی کند کام دانش‌آموزان را با این زبان شیرین کند و آنان را به‌گونه‌ای بار آورد که نسبت به این زبان، نوعی نزدیکی و ارتباط احساس کنند. تبلیغات منفی و روش‌های غلط و یا غیرعلمی در آموزش این درس موجب شده که ذهن مخاطبان نسبت به این درس با نوعی پیدیدگی و ابهام و سنگینی و ریمیدگی همراه شود. وظیفه‌ی ما آن است که بستر آموزشی این درس را به‌گونه‌ای هموار کنیم که رهرو این مسیر به‌جای احساس درشتی و ناهمواری و زمختی، سبکی و رهواری و لطافت را در وجود خود احساس کند. اگر بتوانیم چنین بستری را فراهم کنیم، هر چند در محدوده‌ی چند ساله‌ی تحصیلات رسمی انتظارات ما را برآورده نکند اما، شوق آموزش او را به فراگیری این زبان در سال‌های آینده فرا خواهد خواند!

۲- با توجه به هدف آموزش زبان عربی در مدارس، لازم است توجهی خاص و ویژه به متون درسی داشته باشیم. هر اندازه که بتوانیم دانش‌آموز را با متن درگیر کنیم و او را برای دریافت معانی و جزئیات مسایل و حوادث موجود در متن، توانمند سازیم، به هدف خویش نزدیک‌تر شده‌ایم.

توانایی در ترجمه‌ی صحیح و پرداختن به قسمت درک مطلب، از جمله مسایلی است که

لازم است در طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی خود برای آن سهم و جایگاه خاصی قابل باشیم. در روش‌های آموزشی‌ای که برای تدریس این دروس اتخاذ می‌کنیم، باید برای این مسأله‌ی حیاتی بهای ویژه‌ای را قابل شویم که دانش‌آموز پس از تمامی این تمرینات و بازی‌ها و تلاش‌ها و... بتواند متنی را بخواند و معنای مناسبی را دریافت نماید. بدون در نظر گرفتن این غایت، مقدمات در خدمت تحقق هدف قرار نمی‌گیرند و چه بسا برنامه‌ها و کارهایی را مد نظر قرار دهیم که ما را به سرمنزل مقصود رهنمون نسازد!

توصیه‌ی ما به معلمان فاضل و توانا آن است که از سال اول پس از گذراندن مراحل مشخص، متنی جدای از کتاب درسی فراهم کنیم و با توجه به آموخته‌ها آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم و با این کار میزان توانایی آن‌ها را در فهم و ترجمه و درک مفاهیم، بسنجیم. چگونگی تحقق این توانایی می‌تواند ملاک خوبی باشد در جهت کارآمدی و یا عدم موفقیت روش‌های آموزشی انجام گرفته!

۳- بهره‌گیری از روش‌های فعال، لازمه‌ی موفقیت یک معلم عربی است. مراد ما از روش‌های فعال در این کتاب آن است که تلاش کنیم دانش‌آموز در مسیر یادگیری، شرکت مستقیم داشته باشد؛ او باید در هر لحظه این امکان را بدهد که مخاطب معلم قرار گیرد و قسمتی از فرآیند آموزشی را برعهده گیرد. در این روش، معلم در کنار استفاده از گج و تخته، به سمت بهره‌گیری از کارت‌های آموزشی و عکس و تصویر و ابزارهای کمک آموزشی روی می‌آورد. حضور دانش‌آموز در امر آموزش و احساس سهیم شدنش در این فرآیند، دشواری‌ها را تبدیل به آسانی می‌کند و از جنبه‌ی عاطفی موجب می‌شود که وی ارتباط نزدیک‌تری با درس و معلم پیدا کند.

ذکر این نکته ضروری است که تأکید ما بر استفاده از روش‌های فعال، تکرار یک شعار و یا هماهنگ شدن با حرف‌ها و سخنان روز نیست، بلکه پیش از فراگیر شدن این سخن، ما به تجربه دریافته بودیم که در حوزه‌ای که ما می‌توانیم مؤثر باشیم، مشکل درس ما از روش‌های آموزشی، نشأت می‌گیرد و لذا لازم است دست‌اندرکاران آموزش این درس، تجدیدنظری در روش‌های خود بنمایند و در کنار تجربیات آموزشی خود، از روش‌های فعال که نتیجه‌ی آن با نشاط کردن فضای کلاس و دانش‌آموز است، استفاده کنند.

۴- با نگاهی اجمالی به سرفصل‌های دوره‌ی راهنمایی درمی‌یابیم که تمامی آنچه که برای یک آموزش مقدماتی لازم است در این سه کتاب فراهم آمده است. علاوه بر موضوع اسم و حالت‌ها و ویژگی‌های این کلمه، در دوره‌ی راهنمایی موضوع «فعل» مورد مذاقه و یادگیری قرار می‌گیرد. اساس و پایه‌ی دوره‌ی متوسطه در این مرحله ریخته می‌شود. بنابراین معلمان فاضل و دلسوز دوره‌ی راهنمایی، نقل عظیم آموزش این درس را برعهده گرفته‌اند. اگر بپذیریم که ما همگی مدیون معلمان کلاس اول ابتدایی خود هستیم باید این را نیز قبول کنیم که آینده‌ی این درس و موفقیت آن مدیون معلم عربی دوره‌ی راهنمایی است!

این نکته را باید اذعان کنیم که آینده‌ی آموزش این درس و نوع نگاه دانش‌آموز نسبت به این درس و چگونگی ریشه دواندن پایه‌ها و مقدمات اساسی این درس و امکان عبور موفقیت‌آمیز به مراحل بالاتر، همه و همه به کیفیت و نوع آموزش در مرحله‌ی راهنمایی بستگی دارد. اکنون باره‌ای از همکاران دوره‌ی متوسطه و به‌خصوص سال اول دبیرستان از ضعف و کاستی‌های بی‌شمار دانش‌آموزان در این مقطع ناله سر می‌دهند و شکایت آن‌ها از این است که بسیاری از مطالب اساسی از جمله فعل و ضمیر و اسم (مفرد، مثنی، جمع و...) هنوز برای دانش‌آموز ناآشنا است و باید ساعت‌ها و هفته‌ها کار شود تا فراگیر وارد فضای درس و بحث و کلاس شود؛ حال آن که انتظار این است که این موارد قبل از ورود به مرحله‌ی متوسطه حل شده باشد و...

معلم دوره‌ی راهنمایی باید این نقش سنگین را احساس کند که اگر این مرحله با موفقیت طی نشود، وبال این عدم موفقیت تا پایان بر عهده‌ی دست‌اندرکاران دوره‌ی راهنمایی خواهد ماند. آموزش شیرین و دقیق مطالب به همراه تلاش در جهت تعمیق و استقرار بخشیدن به مطالب و نیز ایجاد یک نگاه مثبت عاطفی در مخاطب، تضمین‌کننده‌ی موفقیت‌آمیز آینده‌ی این درس است و این کار بر شانه‌ی معلم عربی دوره‌ی راهنمایی گذاشته شده است!

۵- در رویکرد جدید آموزش زبان عربی، تأکید بسیاری بر استفاده از ابزارها و دست‌سازه‌های کمک‌آموزشی شده است. بحمدالله معلمان فاضل و هنرمند و خوش‌ذوق از این امکانی که در کتاب‌های درسی فراهم آمده به‌خوبی بهره‌جسته و زمینه‌ی استفاده از این ابزارها را به‌خوبی مهیا کرده‌اند. اکنون در بسیاری از مدارس، درس‌ها به کمک این ابزارها و با بهره‌گیری از انواع روش‌ها و مسابقات و سرگرمی‌هایی که بتواند علاوه بر انتقال مفاهیم درسی به انتقال عواطف و احساسات و نگرش‌های مثبت اقدام کند و فضای درس و کلاس و بحث را به جوّی صمیمی و بامحبت و پر نشاط تبدیل نماید، صورت می‌گیرد. تأکید بر استفاده از این وسایل و توصیه‌ی مؤکد به بهره‌گیری از روش‌های مسابقه و سرگرمی و پرسش و پاسخ، همه و همه به منظور تألیف قلوب مخاطبانی است که به علل مختلف، نگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به این درس و مفاهیم آن ندارند!

هر چند در بعضی از دروس، به معرفی تعدادی از وسایل کمک‌آموزشی پرداخته شده اما این به آن معنی نیست که نفس این وسایل با این مشخصات خاص، موضوعیت ویژه‌ای دارد، بلکه این امر، تنها به قصد بیان و تبیین روش‌هایی مطرح شده که با استفاده از دست‌سازه‌ها می‌تواند در جهت انتقال مفاهیم درسی مورد استفاده قرار گیرد و لذا با توجه به موقعیت‌های اقلیمی مختلف و ذوق و طراحی و هنر مخاطبان، می‌توان ابزارهای دیگری ساخت و از آن‌ها استفاده نمود!

این نکته را نیز فراموش نکنیم که استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی و دست‌سازه‌ها از همان سال اول مورد تأکید است و لذا سعی کنیم امکان بهره‌گیری از این وسایل را از همان سال اول در مدرسه و حوزه‌ی کاری خود، شروع کنیم و همکاران خود را نیز به استفاده از آن‌ها در

کلاس تشویق نماییم.

۶- هر چند اولویت اول و هدف محوری آموزش زبان عربی، تقویت قوه‌ی درک و فهم از متن است، اما این به آن معنی نیست که توانایی‌های دیگر زبانی به هیچ‌وجه مورد توجه قرار نگیرد. از جمله‌ی این توانایی‌ها قدرت تکلم و مکالمه است. معلمان دوره‌ی راهنمایی از این شیوه باید برای جذاب نمودن آموزش خود استفاده کنند و هر از چندی در کلاس، جملاتی را به عربی بگویند تا دانش‌آموزان احساس کنند که زبان قرآن، زبانی است زنده و قابلیت آن را دارد که برای بیان مطالب و نیازهای زندگی مورد استفاده قرار گیرد. معلم فاضل این مقطع از سال اول می‌تواند جملاتی را انتخاب کند و با تکرار و تمرین، آن‌ها را در ذهن بچه‌ها ملکه سازد تا که عباراتی از قبیل «بفرمایید، بخوان، بیا، بنویس، درسته، زنگ خورد» و ده‌ها و صدها جمله‌ی کثیرالاستعمال دیگر به تدریج ملکه‌ی ذهنی دانش‌آموزان گردد و دریابند که با این زبان نیز می‌توانند صحبت کنند و نیازهای خود را برطرف کنند. توانایی مکالمه جزء اهداف اولیه و در استراتژی آموزشی این درس مطرح نمی‌شود بلکه در قسمت روش‌ها و تاکتیک‌های تحقق اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از بیان این مقدمات، اکنون به بررسی و تبیین محتوای کتاب حاضر بپردازیم:

محتوای کتاب

در این کتاب سعی شده براساس تقسیم‌بندی کتاب اصلی به توضیح محتوی و مطالب ذکر شده پرداخته شود. توضیحات ذکر شده در قالب نحوه‌ی تدریس و بیان اهداف هر قسمت و تبیین لایه‌های پنهان آن‌ها آمده است. مراحل تدریس و بیان راه‌کارهایی که ذکر آن‌ها می‌تواند معلم را در فرایند تدریس یاری کند، از جمله مطالب موجود در این مجموعه است. آموزش کلید طلایی در دروس آغازین با تفصیل بیش‌تری آمده و همین مطالب می‌تواند کلیدی باشد برای دروس بعدی و نحوه‌ی تدریس و توضیح آن‌ها. در کتاب سوم علاوه بر مطالبی که در دو کتاب پیشین آمده، سه مطلب دیگر هم به چشم می‌خورد؛ یکی صفحه‌ای با عنوان «اصنع و اعمل» است و دیگری «أنشودة» و سومی «ترجمه‌ی تصویری». در مورد اول، پیش از این مطالبی را بیان کردیم که تأمل روی آن‌ها می‌تواند هدف از گنجاندن این قسمت را روشن کند؛ اما به منظور تبیین هرچه بهتر موضوع، بار دیگر بر این نکته پای می‌فشاریم که در حوزه‌ای که ما می‌توانیم و قادر هستیم تأثیرگذار باشیم، کلید حل معضل بی‌ربغیتی دانش‌آموزان در درس عربی در روش تدریس معلمان و نحوه‌ی تعامل معلم عربی با دانش‌آموزان این درس نهفته است. اگر قادر باشیم که در روش‌هایمان از طرح‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌های آموزشی - علمی به وفور بهره ببریم به گونه‌ای که زهر کُشنده‌ی خشکی و عدم جذابیت مواد آموزشی را از بین ببریم و کاری کنیم که تبلیغات منفی جاهلان و معاندان جای خود را به مجموعه‌ای از اطلاعات و آموزش‌های کاربردی و جذاب و رغبت‌انگیزی بدهد که دل

مخاطبان را بر باید تا که در نهایت پیام زبان قرآن را بهتر دریابند به مسؤولیتِ خطیر خود عمل کرده‌ایم و اهداف مورد نظر را نیز به بهترین شکل محقق ساخته‌ایم.

سخن ما در این باره آن است که در کنار استفاده از تجربیات و اندوخته‌های گذشته و روش‌های سنتی بیابیم از ابزارها و روش‌هایی کمک بگیریم که مسیر پرفراز و نشیب و سنگلاخی آموزش را به بستری هموار و صاف مبدل کنیم؛ چرا که بر این اعتقادیم که تغییر در روش آموزش و استفاده از روش‌های فعال، منجر به تغییر نگرش مخاطب نسبت به درس و در نتیجه اثربخشی بیش‌تر آموزش می‌شود.

صفحه‌ی اختیاری دیگری که در کتاب آمده «آنشوده» است که قرار است دانش‌آموزان به‌عنوان یک فعالیت فوق برنامه آن را بخوانند و یاد بگیرند و در مناسبت‌هایی هم آن را اجرا کنند. علاوه بر سروده‌های موجود، می‌توان از مجموعه‌های شعری مناسب دیگر هم استفاده کرد و دانش‌آموزان را به خواندن و حفظ و اجرای دسته‌جمعی آن‌ها تشویق نمود.

و اما «ترجمه‌ی تصویری» تلاشی است در جهت تقویت قوه‌ی درک و فهم از متن. دانش‌آموز آن‌چه را که از یک عبارت و جمله دریافته، اگر بتواند آن را در قالب یک تصویر بگنجد، این کار به بهترین شکل می‌تواند توانایی او را محک بزند. همین که قوه‌ی تخیل دانش‌آموز تقویت می‌شود و معانی و مفاهیم محتمل از یک عبارت را تصور می‌کند و یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کند، به افزایش توانایی در درک و فهم از عبارات می‌انجامد. نمونه‌ای از چنین تمریناتی را می‌توان از سال اول راهنمایی با دانش‌آموزان کارکرد تا علاوه بر بسترسازی مناسب به منظور جذاب نمودن مسیر آموزش به ایجاد توانایی و افزایش قدرت فهم مخاطب از متون و عبارات بینجامد!

در پایان امیدواریم توضیحاتی که در این کتاب در مورد اهداف و سیاست‌های آموزش زبان عربی در ایران مطرح شده راهگشای امر آموزش این درس در مدارس باشند و ما شاهد آن باشیم که به همت دبیران فاضل و خوش‌ذوق و هنرمندان از این به بعد محصولاتتی که وارد مرحله‌ی متوسطه می‌شوند، نیازهای اولیه‌ی آموزش این درس را فراگرفته باشند و باغبانان مقطع متوسطه، جوانه‌هایی سالم و رو به رشد و بالنده را تحویل بگیرند تا دیگر شاهد و شنونده‌ی گلایه‌ها و شکایت‌های دبیران مقطع متوسطه نباشیم و جای آن گله‌ها و درد و دل‌ها، شاهد تحسین و تمجید از خروجی‌های این مرحله باشیم.

بمَنّه و توفیقه و کرمه!

درس اول با هدف یادآوری مطالب خوانده شده در سال‌های قبل آماده شده است. دانش‌آموز در سال‌های قبل با موضوعاتی از قبیل: اسم‌های اشاره، مفرد و جمع، کلمات سؤالی، اسم و فعل و حرف، فعل ماضی و فعل مضارع آشنا شده است. در این درس ضمن یادآوری تمامی مطالب خوانده شده به تکرار و تمرین روی دو موضوع بسیار مهم فعل ماضی و فعل مضارع و ضمائر منفصل می‌پردازد و با یادآوری آموزه‌های قبلی به تثبیت آن‌ها در ذهن دانش‌آموز می‌پردازد به گونه‌ای که این مطالب را ملکه‌ی ذهن خویش می‌سازد و خود را برای یادگیری دروس آینده آماده می‌کند. این نکته‌ی حیاتی و مهم را مدنظر داشته باشیم که اگر دانش‌آموز نتواند مطالب قبلی را برای خود یادآوری نماید و آن‌ها را در مرحله‌ی کاربرد به کار بندد، موفقیت او در مراحل بعدی نیز دچار خلل خواهد شد.

متن درس برگرفته شده از یکی از موضوعات قرآنی است. داستان حضرت سلیمان (ع) و رویارویی او با ملکه‌ی سبا قسمتی از آیات قرآن مجید را به خود اختصاص داده است. گذشته از موضوع «متن»، واژه‌ها و ساختار به کار برده شده در متن نیز تمامی مأخوذ از واژه‌ها و ساختارهای قرآنی است. به گونه‌ای که دانش‌آموز با یادگیری آن‌ها، کلمات بی‌شماری از آیات قرآن کریم را می‌تواند ترجمه کند و مفهوم آن‌ها را در آیات دریابد. این امر، در تمامی عبارات و متون کتاب مورد توجه و اهتمام قرار گرفته و لذا بایسته است که دبیران محترم به این نکته توجه داشته باشند و آن را در روش تدریس خود مدنظر قرار دهند.

واژه‌ها و ساختارهای قرآنی و روایی متن

۱- بعضی از واژه‌ها و یا عبارات متن که در قرآن و یا روایات و ادعیه به کار رفته‌اند؛ عبارتند از: کان، قوی، ل، طیر، فی، یوم، ایام، خرج، نظر، سأل، این، سَیِّد، ذَهَب، غَضِب، عَجِیب، کَشَفَتْ، و جَدْتُ، امرأة، عظیم، الناس، یعبدون، الشمس و...

۲- بسیاری از واژگان هر چند مستقیماً در قرآن و یا روایات نیامده‌اند؛ اما مشتقات آن‌ها به وفور در این گونه متون به کار برده شده‌اند. از این رو دبیر محترم از این ویژگی اشتقاقی زبان عربی می‌بایست بهره‌ی کافی را در امر آموزش ببرد و به دانش‌آموزان

این نکته را گوشزد کند که با دانستن معنای یک واژه چه بسا معنای ده‌ها واژه‌ی دیگر نیز معلوم و مشخص می‌گردد. از این‌گونه واژه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تَفْقُدُ، غیاب، تَحْكَمُ، تَصَدَّقُ، وصول، أغرق،...

توجه به این ویژگی اشتقاقی به تدریج گنجینه‌ی واژگانی دانش‌آموز را توسعه می‌بخشد و در نهایت او احساس می‌کند که کلمات بسیاری را فراگرفته و معانی بسیاری از واژه‌ها را لااقل می‌تواند حدس بزند. هر چند در سال‌های قبل نیز می‌بایست این موضوع در آموزش مورد توجه قرار گرفته باشد اما در این کتاب لازم است در درس اول مقدماتی از این امر گفته شود و سپس از درس دوم که موضوع آشنایی با وزن کلمات مطرح می‌شود، این موضوع به‌طور جدی در فرآیند تعلیم و آموزش قرار گیرد.

پیش‌نیازهای آموزشی

محور اصلی درس اول، یادآوری فعل ماضی و مضارع است. برای این‌که این یادآوری بهتر انجام گیرد، لازم است دانش‌آموز با مفهوم «فعل» و مقصود و مراد از «ماضی» و «مضارع» آشنا باشد و سپس وارد حوزه‌ی عملیاتی شود و صیغه‌های مختلف را تکرار کند و بسازد و به‌خاطر بسپارد.

برای این‌که اهداف آموزش عربی در دوره‌ی راهنمایی بهتر محقق شود، لازم است دبیر محترم با اشرافی که به مطالب سه پایه‌ی تحصیلی دارد؛ مطالب خوانده شده در سال‌های قبل از قبیل جملات استفهامی، جمع‌های سالم و مکسر، اسم اشاره و... را در جاهایی که مناسب تشخیص می‌دهد، تأکید و یادآوری کند تا در مجموع در پایان سال سوّم نکاتی را که لازم است دانش‌آموز در مقطع راهنمایی یاد بگیرد، به او آموزش داده شود. یک جمله از مَهره‌های مختلفی تشکیل می‌شود؛ این مَهره‌ها باید مورد شناسایی و توجه دانش‌آموز قرار بگیرد و با علم و معرفت به آن‌ها، از عهده‌ی درک مفهوم و مقصود عبارت برآید.

اکنون پیش از آن‌که وارد موضوع کلید طلایی شویم؛ لازم است مفهوم «زمان» و «انجام‌دهنده‌ی فعل» برای دانش‌آموز تبیین شود و سپس مراد از «ماضی» و «مضارع» برای او یادآوری گردد.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن

داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه ی سبا شهره ی خاص و عام است. نحوه ی آماده سازی متون این کتاب به این گونه است که پس از تهیه ی متن نوشتاری، تلاش و افری صورت گرفته که به منظور جذابیت کتاب و ایجاد رغبت و انگیزه ی بیش تر در مخاطب قسمتی از پیام ها به عهده ی تصاویر گذاشته شود و هر عبارت در کنار تصاویر مربوط به خود، امر انتقال مفاهیم و معانی را به مخاطب انجام دهند. بنابراین دقت روی تصاویر می تواند پاره ای از مبهماتی را که در اثر خلاصه گویی و ایجاز به وجود آمده برطرف کند و ناگفته های متن را نیز به دانش آموز منتقل نماید. ما در جلسه ی اول به منظور زمینه سازی برای ورود به آموزش و ترجمه می توانیم موضوع متن را با وسعت و گسترش بیش تری به فارسی برای بچه ها توضیح دهیم. این کار علاوه بر این که جذابیت های قصه گویی را برای مخاطب به همراه دارد، می تواند دانش آموز را نیز برای ترجمه ی متن درس در جلسه ی بعد آماده کند. قصه گویی متن درس را می توان این گونه آغاز کرد :

حضرت سلیمان (ع) یکی از پیامبران الهی است. او در میان پیامبران آسمانی دارای خصوصیات و ویژگی هایی است که او را از دیگران متمایز می کند. حضرت سلیمان (ع) توانست حکومت نیرومندی را تشکیل دهد. عدالت و دادگری در تمامی قلمرو حکومتش جاری بود. بیت المقدس به فرمان او ساخته شد. خداوند به سلیمان از حکومت و حکمرانی به مقداری عطا کرده بود که به دیگران نداده بود. جن و انس در تصرف او بودند. زبان حیوانات را می فهمید و حیوانات جزء لشگریان حضرت سلیمان محسوب می شدند. در یکی از روزها اتفاقی افتاد. حضرت سلیمان درحال بازدید از سپاه خود بود که متوجه شد، هدهد در میان لشگریان نیست. ناراحت شد و او را غیاباً توبیخ کرد و گفت که در اثر این بی نظمی به شدیدترین وجه تنبیه خواهد شد مگر آن که حجت و دلیل قانع کننده ای بیاورد. حیوانات، سریع خبر را به اطلاع هدهد رساندند. هدهد در ابتدا سراسیمه شد اما از آن جا که برای خود دلیل محکمه پسندی داشت و می دانست که اگر سلیمان (ع) این سخن را بشنود، غیبتش را موجه به حساب می آورد، دلهره به خود راه نداد. نزد سلیمان (ع) رفت و گفت: ای سلیمان! من در

میان قومی از اهالی یمن بودم. در این سرزمین، زنی حکمرانی می‌کند که دارای قدرتی فراوان است. اینان بت پرستند و خورشید را عبادت می‌کنند. ملکه‌ی این سرزمین روزها بر تخت جواهرنشان بزرگی می‌نشیند که انواع سنگ‌های قیمتی و گوهرهای گرانبها روی آن قرار گرفته و این زن این گونه به اداره‌ی سرزمین خود می‌پردازد و...

سلیمان در ابتدا به حرف‌های هدهد اطمینان پیدا نکرد. او برای آن که صحت و سقم گفته‌های هدهد بیش‌تر آشکار شود، نامه‌ای نوشت و آن را به هدهد داد تا به ملکه‌ی سبا برساند. هدهد نامه را گرفت و نزد ملکه‌ی سبا رفت و نامه را روی تخت ملکه قرار داد. در این نامه آمده بود:

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَّا تَعْلُوْا عَلَیَّ وَاَنْتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ﴾ به نام خدای

بخشاینده‌ی مهربان؛ بر من برتری مجوید و درحالی که تسلیم شده‌اید نزد من آیید. ملکه‌ی سبا که نامش بلقیس بود، نامه را برداشت و خواند و مقصود صاحب نامه را دریافت. او زنی زیرک و باهوش بود. رجال حکومت و مشاوران و وزیران را به یک جلسه‌ی اضطراری فراخواند و آنان را نسبت به مفاد نامه مطلع کرد. حاضران در جلسه موقعی که از محتوای نامه خبردار شدند، بسیار عصبانی شدند، چرا که احساس کردند قدرت و شوکت آنان به خطر افتاده است... یک صدا فریاد زدند: نه... نه... ما تسلیم نمی‌شویم... ما دارای قدرت و نیروی فراوانی هستیم... چه کسی تا حالا جرأت کرده با ما این‌گونه صحبت کند و ما را به تسلیم دعوت نماید؟!... اما با این حال هرچه که شما حکم کنید، ما هم می‌پذیریم... نظر خود شما چیست؟ شما چه دستوری می‌دهید؟!

موقعی که بلقیس سخنان مشاوران و نزدیکان خود را شنید، دریافت که آن‌ها دچار غرور و نخوت شده‌اند و نباید فریب سخنان اینان را بخورد؛ چرا که قدرت و شوکتی که اینان دم از آن می‌زنند، آن‌گونه نیست که این‌ها تصور کرده‌اند... لذا رو به حاضران کرد و سخنی نغز و پرمحتوایی گفت که باید با آب طلا نوشته شود: «إِنَّ الْمَلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْیَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا اَهْلَهَا اِذْلَةً»

به اعتقاد بلقیس نمی‌بایست آن‌گونه برخورد کرد که اجازه داد سلیمان با سپاهیان قصد رویارویی با ملکه‌ی سبا را بکند. او به این فکر افتاد که هدیه‌ای برای سلیمان (ع)

بفرستد تا او را به این وسیله رام کند و از حمله به سرزمین یمن منصرف نماید. بلقیس می‌خواست با گذراندن وقت، اطلاعات بیش‌تری از توان و قدرت سلیمان به‌دست آورد. زمانی که هدایا نزد سلیمان رسید... او از قبول آن‌ها امتناع کرد و همه‌ی هدایا را برگرداند و پیام تهدیدآمیزی هم برای حکمرانان یمن فرستاد به این مضمون که آن‌ها باید در انتظار سپاه عظیمی باشند که تاکنون نه به چشم دیده‌اند و نه با گوش شنیده‌اند؛ سپاهی که نابودی و شکست تاج و تخت بلقیس را به همراه دارد.

موقعی که هیأت اعزامی بلقیس با این وضع و حالت برگشت، ملکه دریافت که با قدرت بزرگی درگیر شده است و خطر در پشت گوش اوست. از این‌رو تصمیم گرفت که خودش بار سفر ببندد و شخصاً به همراه بزرگان حکومتش به حضور سلیمان (ع) برسد.

ملکه به سمت فلسطین یعنی سرزمین سلیمان (ع) رهسپار شد. به پایتخت سلیمان یعنی شهر قدس رسید. او با خود فکر می‌کرد که چگونه می‌تواند سلیمان (ع) را از فکر حمله به سرزمین یمن منصرف کند؛ چگونه قدرت و توانایی حکومتش را در مقابل سلیمان و مشاورانش ترسیم کند تا آن‌ها از ترس شکست از حکومت بلقیس، از این فکر دست بردارند و...

از سوی دیگر حضرت سلیمان نیز زمانی که خبردار شد بلقیس عازم سرزمین اوست، دستور داد برای وی قصر بزرگی را به‌سرعت بسازند و فرمان داد که سنگفرش قصر موردنظر را از شیشه درست کنند. او می‌خواست کبر و نخوت بلقیس را با این کار فرو نشاند، و به او نشان دهد که تصور عظمت و قدرت بی‌حدّ و حصر برای حکومت و تاج و تختش امری باطل و ناصواب است. او باید بفهمد که نعمت‌های خداوندی و قدرتی را که او به رسولان و پیامبرانش عطا کرده، چیزی فراتر از این حکومت‌های دنیایی و پوشالی است. سلیمان (ع) برای این‌که این موضوع بهتر در فکر و ذهن بلقیس جایگزین شود، دستور داد که تخت حکومت بلقیس را پیش از رسیدن خودش نزد سلیمان بیاورند تا در همین قصری که برای او ساخته شده بگذارند و او در هنگام ورود روی آن بنشیند... کار ساده‌ای نبود... اما این چیزی نبود که یاران سلیمان نتوانند از عهده‌ی آن به‌در آیند... سرانجام گروهی از لشکریان تحت امر سلیمان گفتند: ما در یک چشم به‌هم‌زدن این کار را انجام می‌دهیم... آری! آن‌ها توانستند با موفقیت این مأموریت را انجام دهند و دل سلیمان (ع) را شاد کنند. حضرت سلیمان که این صحنه

را دید، رو به آسمان کرد و گفت: ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي﴾ این از فضل و کرم پروردگار من است تا مرا بیازماید.

آن‌گاه تصمیم گرفتند که تغییرات اندکی را روی تخت بلقیس انجام دهند تا ببینند که آیا او با دیدن آن متوجه اصل موضوع می‌شود یا خیر؟ آیا درمی‌یابد که چگونه تخت حکمرانی‌اش در غیاب او تصرف شده و از آن‌جا به این نقطه منتقل شده یا نه؟! آیا در قدرت و عظمت حکومتش دچار شک و تردید می‌شود؟! و آیا...

ساعتی بعد، بلقیس و همراهانش وارد سرزمین سلیمان شدند. زمانی که به قصر موردنظر می‌رسد، به او می‌گویند: ای ملکه‌ی صاحب قدرت و شوکت! آیا این تخت و تاج تو نیست؟ پاسخ می‌دهد؛ ... چرا ... مثل این که همان تخت من است... اما... چگونه... چگونه ممکن است؟! ... چه کسی چنین قدرت و توانایی‌ای داشته که توانسته چنین کاری را انجام دهد...؟! در همین فکر و خیال بود که پا به درون قصر می‌گذارد... اما به مجردی که پای خود را بلند می‌کند و می‌خواهد درون کاخ بگذارد، ناگهان ترسی بر او سایه می‌افکند، چرا که خیال می‌کند رودخانه و چشمه‌ای در این مکان وجود دارد، لذا جامه‌ی خود را بالا می‌زند تا خیس نشود...! اما غافل از این که آبی در کار نیست! به او می‌گویند: این‌ها شیشه است... خیال ملکه راحت باشد!

با دیدن این صحنه‌ها همه‌ی تصوّرات بلقیس نقش بر آب می‌شود. آن عظمت و قدرت خیالی که برای خود تصوّر نموده بود، همه و همه درهم ریخته می‌شود. او درمی‌یابد که فراتر از این قدرت زمینی، قدرت دیگری هم هست و در همین جا اعتراف می‌کند که باید قبول کند سلیمان (ع) از جانب قدرتی آسمانی آمده است و لذا رو به آسمان می‌کند و می‌گوید: «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي»

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

در این مرحله دانش‌آموزان با موضوع متن درس آشنا شده‌اند و امکان فهم معانی عبارات برای آن‌ها میسر شده است. قبل از وارد شدن به متن درس، ابتدا واژه‌های جدیدی را که در متن آمده معین می‌کنیم. اگر بتوانیم واژه‌های جدید را به شکل غیرمستقیم به زبان عربی در ذهن بچه‌ها جا دهیم؛ بسیار مهم است. در این مرحله اگر امکان شرح واژه‌ها با کلمات ساده‌ی خواننده شده به عربی باشد، این کار را انجام می‌دهیم. در مورد پاره‌ای از لغات، امکان تصویرنمایی و یا نشان دادن با حرکات بدنی وجود دارد؛ اگر این امکان هم وجود نداشت با نشان دادن تصاویر و یا نقاشی آن‌ها می‌توانیم

مفهوم و معنای کلمات را در ذهن مخاطبین جایگزین نماییم. اگر کلماتی هم باشند که نتوان از این گونه روش‌ها برای توضیح معانی آن‌ها استفاده کرد، در مرحله‌ی آخر، ترجمه‌ی فارسی می‌کنیم. پس از توضیح و یادگیری واژه‌های جدید، دانش‌آموز وارد متن درس می‌شود و به کمک تصاویر و داستانی که معلم پیش از آن در مورد آن صحبت کرده، به ترجمه‌ی مفهومی از آن اقدام می‌کند. در این مرحله نیاز به ترجمه‌ی دقیق عبارات نیست. همین که دانش‌آموز از حال و هوای جمله مطلع شد و مطمئن شدیم که زیاد بیراهه نمی‌رود و می‌تواند معنایی را افاده کند، مقصود ما از این مرحله برآورده شده است. ترجمه‌ی دقیق متن را به مرحله‌ی دیگری موکول می‌کنیم.

۳- توجه به «عبارات هدف» در متن درس

درس اول برای یادآوری مطالب سال قبل است و از این رو در متن درس، تلاش شده که نکات موردنظر به طریقی جایگزین شود. دانش‌آموزان در سال قبل با موضوع مهم فعل ماضی و مضارع آشنا می‌شوند و در سال سوم لازم است که آموخته‌های قبلی آن‌ها یادآوری گردد. پیش از آن که وارد «کلید طلایی» شویم، از دانش‌آموزان بخواهیم که در متن درس فعل‌های ماضی و مضارع را پیدا کنند، آن‌ها در این کاوش به جمله‌های ذیل اشاره می‌کنند:

— خرج سلیمان...

— فنظر بدقة...

— ذهب لعملي...

— رجع الهدهد

— غضب سلیمان...

— ذهب يا هدهد...

— ماذا كسفت؟

— وجدت امرأة...

— تحکم في مملكة...

— يعبدون... و يسجدون...

دانش‌آموز در این نگاه، مقداری از آموخته‌های خود را به خاطر می‌آورد؛ اما طبیعی است که همه‌ی آن‌ها مورد تذکر و یادآوری قرار نمی‌گیرند. هدف از این مرحله باید این باشد که دانش‌آموز با تلاشی که خود انجام می‌دهد وارد فضای موضوع بشود و بداند که قرار است چه چیزی را به یاد بیاورد و یاد بگیرد. در این مرحله مناسب است که معلم پاره‌ای از توضیحاتی را که در آموزش

کلید طلایی می‌خواهد یادآوری کند، در این جا گوشزد کند؛ نکته‌هایی از قبیل ضمائر منفصل (هو، هی، انت و...) و یا پسوندها و پیشوندهای فعل (از قبیل «تَ» در «ذهبت» و «یاء» در «یذهب» و...)

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

هر چند موضوع قرائت از اهداف اولیه‌ی آموزشی زبان عربی نیست؛ اما آموزش این زبان، بدون اهتمام و توجه به قرائت امکان‌پذیر نیست. در اولویت قرار نگرفتن و جزء اهداف آموزش درس عربی نیامدن قرائت، از آن‌روست که این مسأله در درس قرآن باید فراگرفته و به آن پرداخته شود. اما با این حال معلم در درس عربی باید از دانش‌آموزان بخواهد که عبارات را درست و حتی‌المقدور با تلفظ صحیح ادا کنند. و اگر اشتباهی هم در جایی اتفاق می‌افتد، خطای قرائت را تذکر دهد. تلفظ صحیح حداقل در مورد حروفی مانند «ث، ذ، ح، ه» که مشکل چندانی ندارد و دانش‌آموز به راحتی می‌تواند آن‌ها را ادا کند، باید مورد توجه قرار گیرد. این امر موجب می‌شود که یادگیرنده دریابد که زبان جدیدی را می‌خواهد یاد بگیرد و این زبان با زبان فارسی تفاوت‌هایی دارد و لذا در هنگام قرائت جملات و عبارات، خود را مقید می‌کند که لهجه و تلفظ صحیح را رعایت کند. موضوع دیگری که در هنگام قرائت متون باید مورد عنایت قرار گیرد، رعایت آهنگ کلمات و عبارات است. خواننده نمی‌بایست جمله‌ی سؤالی را همانند جمله‌ی خبری و یا تعجبی و یا... بخواند. حس سؤال و تعجب و... لازم است در هنگام ادای جملات به گوش مخاطب برسد. توجه به این نکات، متن را از یک سری جملات پشت سرهم و خسته‌کننده بیرون می‌آورد و موجب ایجاد تنوع و نشاط و هیجان بیش‌تری در مخاطب می‌شود.

پس از آن‌که قرائت متن به‌طور صحیح و دقیق انجام گرفت، نوبت به ترجمه‌ی دقیق متن می‌رسد. ترجمه‌ی متن درس را می‌توان به جلسه‌ی دوم موقوف کرد. دانش‌آموز داستان متن را به‌طور تفصیل شنیده، واژه‌های دشوار را فراگرفته، با ترجمه‌ی اجمالی آشنا شده و لذا انتظار می‌رود که بتواند ترجمه‌ای دقیق از متن ارائه کند. به هر حال، وظیفه‌ی دانش‌آموز، ترجمه‌ی متن و وظیفه‌ی معلم، تصحیح و تنقیح است و به هیچ‌وجه نمی‌بایست این مسؤولیت‌ها را از یاد بُرد و یا آن‌که معلم، نقش دانش‌آموز را هم ایفا کند و متن را همراه ترجمه در اختیار او نهد!

۵- تمرین جمله‌سازی

بهترین روش برای آموزش، بهره‌گیری از روش‌های فعال است. روش فعال به این معنی است

که دانش‌آموز در طول ساعت آموزش، همیشه خود را درگیر آموزش احساس کند و لحظه‌ای از آن فارغ نباشد. بدین‌منظور، معلم توانا از هر فرصتی برای به‌میدان کشیدن دانش‌آموز و پرسش و پاسخ و گفت‌وگو با او در زمینه‌ی درس موردنظر، استفاده می‌کند. یکی از چیزهایی که علاوه بر داشتن محتوای بالای آموزشی به نشاط و تحرک و جذابیت درس کمک می‌کند، برگزاری مسابقات علمی و آموزشی است. برای این کار می‌توانیم کلاس را به چند دسته تقسیم کنیم و مسابقاتی از قبیل: جمله‌سازی، واژه، معنای واژه، ترجمه، فعل، ضمیر و... را ترتیب دهیم و مطمئن باشیم که نتیجه و فرایندی که از این کار به‌دست می‌آید، قابل مقایسه با روش‌های سنتی نیست! اگر موضوع این درس فعل‌های ماضی و مضارع است می‌توانیم یکی از مسابقات این درس را جمله‌سازی قرار دهیم؛ به فارسی جمله‌ای را بگوییم و از گروه‌ها عربی آن را درخواست کنیم و یا از آن‌ها بخواهیم با واژه‌ها جمله‌سازی کنند و...

۶- درک مفهوم درس

یکی دیگر از مسابقاتی که می‌توان در کلاس انجام داد، مسابقه‌ی درک مفهوم است. پس از پایان قرائت متن درس، برای این که مطمئن شویم دانش‌آموزان مطالب متن را فراگرفته‌اند یا نه، همانند مسابقات دیگر، کلاس را به چند دسته تقسیم می‌کنیم و از هر گروه سؤالاتی را می‌کنیم و به جواب صحیح علامت مثبت و به پاسخ‌های منفی، علامت منفی می‌دهیم. در پایان کلاس می‌توانیم گروه برتر را معرفی کنیم و امتیازاتی هم برای آن‌ها قائل شویم؛ از جمله معرفی در تابلوی مدرسه، تشویق از سوی مسؤولان مدرسه، بهره‌گیری از نمرات کلاسی و...

نمونه سؤالاتی را که می‌توان برای این بخش در نظر گرفت، از این قبیل است:

۱- هل كان لسليمان (ع) جيش قوي؟

۲- مَنْ غَضِبَ؟

۳- لماذا غضب سليمان (ع)؟

۴- ماذا قال الهدد لسليمان (ع)؟

۵- هل رجع الهدد؟

و...

دانش‌آموزان می‌توانند جواب سؤالات را با نگاه به متن درس خیلی سریع پیدا کنند و ارائه

دهند!

۷- آموزش کلید طلایی

در این کتاب موضوعات دستوری در ذیل عنوانی به نام «کلید طلایی» فراهم آمده است. همان‌طور که درهای ناگشوده با داشتن کلید، گشوده می‌شود، در موضوعات علمی نیز با دانستن نکات لازم، مجهولات، حل می‌شود و مبهمات، واضح و آشکار می‌گردد. آشنایی با فعل‌های ماضی و مضارع از جمله نکات کلیدی و بسیار مهم است که هرچه روی آن کار شود و تمرین و ممارست روی آن انجام گیرد، شایستگی آن را دارد. چرا که مشاهده می‌شود دانش‌آموزان با ندانستن این مطالب وارد پایه‌های بالاتر می‌شوند و ضعف و ناتوانی آن‌ها در فهم مطالب و حل مسائل، آشکارتر می‌گردد. نتیجه‌ای که چنین روندی به بار خواهد آورد، افت تحصیلی و از همه مهم‌تر بی‌انگیزگی و نفرت و بیزاری از آموزش این درس است. از این‌رو وظیفه‌ی معلم راهنمایی بسیار سنگین است. اوست که مقدمات آموزش را فراهم می‌کند. کارآیی و یا عدم کارآیی او در امر آموزش به‌طور مستقیم در آینده‌ی آموزشی این درس، اثر مستقیم می‌گذارد. بنابراین باید سعی شود که مطالب کلیدی و مهم به‌طور عمقی و باعلاقه و انگیزه در ذهن دانش‌آموزان نهادینه شود تا در آینده به علت مشکلات پایه‌ای، مسیر آموزش این درس دچار خلل و نوسان نگردد.

روشی که برای آموزش موضوع این درس (یادآوری فعل ماضی و مضارع) در نظر گرفته شده، بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی و استفاده از بازی و سرگرمی در امر آموزش است. ما هر چه قدر بتوانیم در آموزش از وسایل کمک آموزشی بهره بگیریم و موضوعات درسی خود را با بازی و سرگرمی و مسابقه و ایجاد تنوع و نشاط و فعالیت ارائه دهیم، بهتر می‌توانیم دانش‌آموزان را از درس را جلب کنیم و مطالب را در ذهن او جای دهیم. بنابراین یکی از روش‌های یادآوری این دو موضوع مهم، ساخت وسایل کمک آموزشی و بهره‌گیری از آن در کلاس و تشویق و ترغیب فراگیران به استفاده از این گونه وسایل در امر یادگیری موضوع مورد نظر است. نوع و چگونگی وسیله‌ی مورد نظر مهم نیست، یعنی این که حتماً لازم نیست وسیله‌ی پیشنهادی کتاب ساخته شود؛ بلکه هر آن چه که به نظر دبیر محترم و یا حتی دانش‌آموزان می‌رسد که بتواند امر تنوع و جذابیت و یادگیری را به نحو احسن انجام دهد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی برای آموزش فعل‌های ماضی و مضارع، می‌توانیم از روش‌های فعال و نمایشی نیز برای تثبیت این موضوع استفاده کنیم؛ به‌عنوان مثال به روش داستانی ذیل توجه کنیم:

موضوع: آموزش فعل ماضی و مضارع
روش: فعال (نمایشی - داستان + سؤال و جواب و مسابقه)

مرحله اول

«علی» از درس و مطالعه و تمرین قدری خسته شده بود و چهره‌اش نشان می‌داد که نیاز به قدری بازی و تفریح دارد. مادرش به او گفت: علی! پاشو برو کمی بازی کن؛ شاید خستگی از تنت بیرون بیاد و بعد با انرژی بیش‌تری بتونی درس بخونی!

علی هم از خدا خواسته، توپ بازی را برداشت و به سراغ بچه‌ها رفت. امیر زودتر از همه آمد و با علی شروع به بازی کرد نمود. بچه‌های دیگر هنوز نیامده بودند. در همین حال که علی و امیر مشغول توپ بازی بودند، توپ به هوا پرتاب شد و از قضا روی درختی افتاد...!

اکنون قبل از آن که داستان را ادامه دهیم، سری به موضوع اصلی خودمان بزنیم تا ببینیم فعل‌های ماضی در چه حال و هوایی هستند و چه ارتباطی با بازی بچه‌ها دارند؟!

فعل ماضی را می‌توان مانند همین توپ بازی فرض کرد که میان بچه‌ها در حال رفت و برگشت است. علامت خاصی ندارد؛ باید از موسیقی و آهنگ و شکل و قیافه، آن را شناخت!

به فعل‌های «خَرَجَ، فَتَحَ، لَعِبَ، جَلَسَ، نَصَرَ، ضَرَبَ، عَلِمَ، حَسُنَ، قَرَأَ، كَتَبَ و...» توجه کنیم! این‌ها همگی «فعل ماضی» هستند. آشنایی با آهنگ و موسیقی این کلمات و تکرار و تمرین و شنیدن آن‌ها می‌تواند به ملکه‌سازی این موضوع در ذهن مخاطب منجر شود.

معلم‌مان محترم می‌تواند صیغه‌های اول فعل ماضی را به همین صورت، با تکرار و تمرین با بچه‌ها کار کنند. نحوه‌ی تمرین می‌تواند به این شکل باشد که مثلاً ابتدا کلمات مختلفی از قبیل اسم و فعل و حرف را مطرح کنیم و از آن‌ها بخواهیم که فعل را از میان این کلمات تشخیص دهند و یا آن‌که معنی فعل‌ها را به فارسی بگویم و از دانش‌آموزان واژه‌ی عربی آن‌ها را درخواست کنیم و یا بالعکس. این تمرین‌ها می‌تواند به شکل مسابقه و بازی و سرگرمی مطرح شود.

و اما دنباله‌ی داستان:

توپ امیر و علی که بالای درخت افتاده بود، موجب شد قدری بازی متوقف شود. بچه‌های دیگر هم آمده بودند. همگی به فکر چاره‌جویی افتادند. سرانجام علی گفت: امیر! تو بیا قلاب بگیر، من روی دوش تو می‌روم و توپ را از اون بالا می‌ندازم پایین...! ... خلاصه علی با هر جون‌کنندگی بود، بالا رفت و به زور دستش را دراز کرد و توپ را پایین انداخت. حالت بالا رفتن علی و درست شدن تصویری هم‌چون یک ستون و یا یک الفِ قد بلند در ذهن بچه‌ها خیلی جالب بود. موقعی که

علی روی دوش امیر قرار گرفت و دستش را دراز کرد، درست، مانند یک الفی شده بود که مستقیم و راست قامت ایستاده بود. بچه‌ها این صحنه در ذهنشان ماندگار شد. از این رو هرگاه می‌خواستند «دو نفر» را به خاطر بیاورند داستان درست شدن «الف» قد بلند را در ذهن خود مجسم می‌کردند. «الف» دیگر نماینده‌ی «دو نفر» (مثنی) شده بود!

خوب! اکنون وقت تمرین و مسابقه است! معلم صیغه‌های مختلف فعل ماضی را مطرح می‌کند و از بچه‌ها می‌خواهد که این فعل‌ها را همانند جریانی که برای امیر و علی پیش آمده بود، تبدیل به فعل‌هایی برای «دو نفر» بکنند: نَصْر، فَرِح، دَفَع، شَرِب، أَكَل، جَعَلَ، حَسُن و...

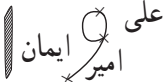
قامت رعناى يك «الف» همیشه در آخر فعل‌ها نمایان‌گر «دو نفر» بودن، انجام گرفتن آن فعل است.

در مرحله‌ی دوم، فعل‌های صیغه‌ی اول و دوم را مخلوط و درهم مطرح می‌کنیم و از دانش‌آموزان می‌خواهیم که در مقابل صیغه‌های مفرد، کلمه‌ی «مفرد مفرد» و در مقابل صیغه‌های مثنی (دو نفره) واژه‌ی «مثنی مثنی» را تکرار کنند.


در مرحله‌ی سوم می‌توانیم مسابقه‌ای به شکل «صحیح و غلط» اجرا کنیم و از بچه‌ها بخواهیم جواب‌های صحیح را از غلط تمییز دهند.


پس از این که مطمئن شدیم بچه‌ها این دو صیغه را خوب یاد گرفته‌اند و ملکه‌ی ذهنی آن‌ها شده به ادامه‌ی داستان می‌پردازیم:

توپ که از بالای درخت افتاد، دوباره تنور بازی گرم شد. بچه‌ها دیگر همگی آمده بودند. در این میان «ایمان» هوش و حواسش به دنبال چیز دیگری غیر از توپ بود. او می‌خواست ببیند که آن بالاها چه خبر است! از آن‌جا چگونه می‌توان پایین را دید و... وای! چه قدر لذت بخش است...! او به دنبال فرصتی می‌گشت تا از بچه‌ها خواهش کند زمینه‌ی بالا رفتن او را فراهم کنند... بازی تمام شد و همگی می‌خواستند به خانه‌های خود بروند که «ایمان» وسط بچه‌ها پرید و گفت: آهای بچه‌ها! اگر این کاری که من می‌گم انجام بدید، دفعه‌ی دیگه یه توپ نو و خیلی باحال، برای بازی من می‌آرم...! گفتند: چی می‌خوای؟! گفت: مثل یه ساعت قبل، علی رو دوش امیر بره و شما کمک کنید که من هم روی کولِ علی برم و از اون بالا چند ثانیه شمارو نگاه کنم و بعد...!! بچه‌ها یه صدا گفتند: نمی‌شه... می‌افتی...! دست و پات می‌شکنه...! اما ایمان اصرار می‌کرد که: شما به این چیزها چکار دارید؟! من خودم بدم... شما فقط کمک کنید...!

نمایش شروع شد. علی روی دوش امیر رفت و ایمان هم با کمک بچه‌ها شروع به بالا رفتن کرد. او به کمی زرنگ بود. قبل از این که اقدام به بالا رفتن کند، تیر چوبی بزرگی که اندازه‌ی یک «الف» بلند بود کنار خودش قرار داد که اگر خدای نکرده، سقوط کند، اون چوب را بگیرد و به زمین نیفتد!... همین که ایمان، دست روی شانه‌ی علی قرار داد و خواست که خود را جمع و جور کند، از آن بالا سقوط کرد:  علی امیر ایمان — چوب دستی

قبلاً گفتیم که «ایمان» پیش از بالا رفتن، فکر کرده بود که یک چوب دستی کنار دستش بگذارد اما آن چوب دستی هم کاری نکرد و به درد او نخورد. یکی از بچه‌ها اتفاقاً یک دوربین همراه خود داشت و توانست این صحنه را شکار کند... خیلی جالب بود... صحنه‌ای که منجر به سقوط ایمان از آن بالا به طرف زمین شد، تا مدت‌ها سوژه‌ی بچه‌ها شده بود... ایمان که به زمین افتاده بود، متوجه شد که آن چوب دستی به شکل «الف» کارساز نبوده است و لذا مورد لعن و نفرین قرار گرفت... موقعی که «ایمان» روی زمین افتاد، رو کرد به چوب دستی و گفت: باشه! عیبی نداره...! اما از این به بعد نفرین می‌کنم که هیچ موقع از آن خلاصی نداشته باشی؛ خدایا! هر که این چوب دستی مثل «الف» را می‌بیند، پشش توجه نکنه، نخوندش... اهمیّت نده و...!

دعای «ایمان» مستجاب شد! از آن تاریخ به بعد هر کس به این الف کنار «» برخورد می‌کند، به آن توجه نمی‌کند و آن را در قرائت کلمه دخالت نمی‌دهد! و اما صیغه‌های فعل:

اکنون نوبت به تمرین و ممارست فرامی‌رسد. صحنه‌ی «» لازم است که ملکه‌ی ذهنی بچه‌ها شود تا هیچ‌گاه آن را فراموش نکنند و هرگاه به این علامت برخورد کردند به یاد آن داستان بیفتند و بدانند که چنین فعلی که دارای این علامت باشد حکایت گرسنه نفر و یا بیش تر است. «الف» کنار «او» هم به همان ترتیب که گفته شد در ذهن بچه‌ها باقی می‌ماند که همیشه همراه «او» می‌آید اما خوانده نمی‌شود! تمرینات و مسابقات این مرحله نیز همانند مرحله‌ی قبل انجام می‌گیرد. تکرار و تمرین و ممارست می‌تواند به خوبی این صیغه‌ها را در خاطر دانش‌آموزان جایگزین سازد.

مرحله‌ی دوم

پس از پایان مرحله‌ی اول وارد سناریوی قسمت دوم می‌شویم. تاکنون داستان پیرامون «داداش کوچولویی» به نام علی بود که می‌خواست بازی کند و آن ماجراها بر سرش آمد. از این به بعد می‌خواهیم داستان «خواهر کوچولو»یی به نام «روّیا» را دنبال کنیم تا ببینیم او با چه حوادث و مسایلی روبه‌رو بوده است!

«خواهر کوچولو»ی ما «رؤیا» هم مثل داداش کوچولوی خودش یعنی «علی» می‌خواست بازی کند. تفاوتی که در بازی این دو وجود داشت این بود که در «رؤیا» همیشه یک وقار و متانت خاصی مشاهده می‌شد. او سعی می‌کرد با وجود کوچکی و خردسالی، موهای خود را بیوشاند. این صحنه، تصویر او را جذاب‌تر می‌کرد. او بسان شاهزاده‌ای که هنگام راه رفتن، جامه‌اش روی زمین می‌خرامد، نمایان‌گر می‌شد. این سنگینی و وقار و متانت موجب شده بود که کارها و فعل‌ها و حرکت‌هایی هم که او انجام می‌داد، از این سنگینی برخوردار باشد!

بله! بچه‌ها! همه‌ی فعل‌ها و کارهایی که خواهر کوچولوی ما «رؤیا» انجام می‌داد، با علامت «ت» در آخر فعل که نشان‌دهنده‌ی همان وقار و سنگینی کلمه و خرامیدن جامه‌ی «رؤیا» است، نشان داده می‌شود. این علامت – ت –، ساکن است و حرکتی هم ندارد؛ مانند:

خَرَجَتْ، فَتَحَتْ، نَصَرْتُ، ذَهَبْتُ، جَلَسْتُ، لَعِبْتُ و...

هرجا خواستیم از کارهای خواهر کوچولوی خودمان صحبت کنیم، این علامت را در آخر فعل می‌آوریم که نشان از همان تفاوت میان مرد و زن است!

معلم محترم همانند مرحله‌ی قبل این صیغه را هم تکرار و تمرین می‌کند و با بازی و مسابقه و سرگرمی این صیغه را در ذهن بچه‌ها جای می‌دهد!

در مورد صیغه‌ی مثنی‌ هم همان داستان قبلی را تکرار می‌کنیم و «الف» را نشان‌دهنده‌ی «دو نفر» ترسیم می‌نماییم.

و اَمَّا صِيغَةُ جَمْعٍ ... :

خوب! بچه‌ها! در این‌جا هم یکی از دختر کوچولوها هوس کرد که آن بالا بالاها برود و از آن‌جا منظره‌ی زمین را مشاهده کند. اما هم‌بازی‌های دیگر، علی‌رغم کوچکی و خردسالی خیلی عاقل بودند. آن‌ها از صحنه‌ی سقوط «ایمان» درس گرفته بودند و نمی‌خواستند خطای او را تکرار کنند. از این‌رو در مقابل درخواست «مینا» همگی یک صدا فریاد زدند: نه... نه... نه...

علامت «ن» از این‌به‌بعد علامت و نشانه‌ی همان دختران عاقلی است که تصمیم به «نه» گفتن گرفتند! و لذا هر کجا می‌خواهیم در مورد کاری از گروه زنان و دختران صحبت کنیم از علامت «ن» در آخر فعل استفاده می‌کنیم؛ مانند:

خَرَجْنَ، كَتَبْنَ، فَتَحْنَ، قَرَأْنَ، لَعِبْنَ، شَرِبْنَ و...

۱- برای تمثيل و حس‌آمیزی مسایل و موضوعات مجرد و انتزاعی می‌توان از چیزهای مختلفی استفاده کرد. مواردی که در این‌جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم تنها از باب نمونه است و از این‌رو معلمان خوش‌ذوق و هنرمند خود می‌توانند چه‌بسا تمثیلات مناسب‌تری متناسب با حال و هوای مخاطب خود پیدا کنند.

این صیغه را نیز همانند صیغه‌های گذشته با تمرین و مسابقه و بازی در ذهن بچه‌ها جایگزین می‌سازیم.

به این ترتیب شش صیغه‌ی ماضی به راحتی می‌تواند در ذهن بچه‌ها نقش ببندد. با داستان و تمثیلی که در کنار هر صیغه عنوان می‌شود، موجب می‌گردد که مطالب، راحت تر به ذهن بچه‌ها خطور کند و آن‌ها را بتوانند می‌سازد که هر جا چنین فعل‌هایی را ملاحظه کنند، معنی و مفهوم آن‌ها را دریابند و زمانی هم که بخواهند از این صیغه‌ها در نوشتن و صحبت کردن، استفاده کنند، با به یاد آوردن آن تمثیل‌ها و داستان‌ها، به سهولت صیغه‌های مورد نظر را بسازند.

برای هشت صیغه‌ی دیگر یک راه این است که داستان‌هایی همانند آنچه که در کتاب دوم در قسمت شهر تماشا آمده، مطرح کنیم و سعی نماییم همراه هر علامت، تمثیل و داستان مناسبی تهیه کنیم، به گونه‌ای که دانش آموز با دیدن آن علامت‌ها و به یاد آوردن داستان و تمثیل مورد نظر، معنای دقیق صیغه‌ی فعل را به خاطر آورد و یا در صورت لزوم آن‌ها را بسازد. راه بعدی آن است که ما پسوندهای این هشت صیغه (ت، ثما، ...) را ابتدا با تکرار و تمرین مدام در ذهن بچه‌ها ملکه‌سازی کنیم؛ به این ترتیب که ابتدا بخواهیم این هشت علامت (ت، ث، ...) را چندین بار بخوانند و با هم تکرار کنند و سپس با مشابتهایی که میان الف آخر «تما» با همان داستان مثنی و یا «نون» در علامت «تن» با همان داستان گذشته دارد و با توجه به تفاوت‌های موجود در حرکات «ت، ث، ن» و ... این صیغه‌ها را نیز با بازی و مسابقه و تمرین تکرار می‌کنیم. شاه کلید آموزش و یادگیری صیغه‌های فعل در تمرین و انجام مسابقه و سرگرمی نهفته است. با اتخاذ چنین روشی می‌توانیم صیغه‌های فعل ماضی را به راحتی و سرعت بیش تر و نتیجه‌گیری بهتر آموزش دهیم.

* فعل مضارع

برای آموزش صیغه‌های فعل مضارع، لازم است نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱- زمان فعل مضارع

۲- علایم فعل مضارع

۳- ضمایر متصل به فعل

* زمان

به منظور جا انداختن موضوع «زمان» در فعل مضارع از تمثیل ذیل بهره می‌گیریم:

بچه‌ها! تاکنون از «گذشته» صحبت می‌کردیم؛ اما اکنون می‌خواهیم سری هم به زمان حال و

آینده بزیم؛ ببینیم در آینده چه خبرهایی اتفاق می‌افتد! همیشه صحبت از گذشته و سیر در اعمال و افعال پیشین کارساز نیست، باید نگاهی هم به آینده بیندازیم و... اما... اما... سفر به آینده به این راحتی هم امکان‌پذیر نیست! نیاز به توان و انرژی فراوانی داریم تا خود را از گذشته جدا کنیم. هم‌چون موشکی که برای کنده شدن از زمین و سیر در فضا نیازمند انرژی بسیار زیادی است! خوب! این فعل‌هایی که تاکنون در زمان گذشته انجام وظیفه می‌کردند؛ چگونه از گذشته جدا شوند و زمان حال و آینده نظر کنند؟! آیا بدون انرژی این کار امکان‌پذیر است؟ آیا انرژی این فعل‌ها به راحتی قابل دسترسی است؟ و آیا...؟!

* علائم فعل مضارع

برای انتقال فعل‌های گذشته (ماضی) به زمان حال و آینده، چهار نوع انرژی فراهم شده است که مطابق با نیاز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بد نیست با ظاهر و قیافه‌ی این چهار نوع انرژی آشنا شویم:

پ ت ا ن

□ دبیر محترم در این مرحله لازم است با تکرار و تمرین و هم‌خوانی، این علائم را در ذهن دانش‌آموزان جایگزین سازد. نحوه‌ی تمرین و بازی و مسابقه، متناسب با فضای کلاس می‌تواند متفاوت باشد.

* صیغه‌های فعل

خوب! اکنون فعلی مانند «ذهب» می‌خواهد به زمان آینده سفر کند؛ از آن‌جا که این فعل نیاز به انرژی دارد؛ از یکی از این علائم انرژی‌زا باید بهره بگیرد. انرژی «پ» را برمی‌داریم و کنار «ذهب» قرار می‌دهیم...!

شدت اتصال این انرژی به «ذهب» آن‌چنان زیاد است که به محض برخورد این علامت (پ) به فعل «ذهب»، حرف کنار علامت از حرکت و سخن باز می‌ایستد و حرکت فتحه (ذ) تبدیل به سکون (ذ) می‌شود. حرف دومی (هـ) هم از این برخورد بی‌نصیب نمی‌ماند و دچار اختلال می‌شود و لذا

ملاحظه می‌کنیم که حرکت حرف دوم، همیشه به یک صورت نیست؛ گاهی فتحه است و گاهی کسره و گاهی ضمه (بِذَهَبْ، يَجْلِسْ، يَنْصُرْ...) و به همین خاطر، ما همیشه حرکت این حرف سرگردان را خودمان معین می‌کنیم؛ مثلاً اگر فعل ما «کتب» باشد، در کنار آن و در داخل پُرانتز می‌نویسیم: (كُ) این علامت به معنی آن است که حرف دوم، دارای این حرکت است!

تا اینجا صحبت ما بر سر بلایی بود که انرژی «ب» بر سر فعل آورده بود؛ یک حرف، ساکت و صامت و خاموش شد و حرف بعدی سرگردان و حیرت‌زده به دنبال حرکت مناسبی می‌گردد و... حرف آخر هم به نشانه‌ی حرکت به سمت آینده، زوزه‌ای می‌کشد و خود را به سمت بالا می‌کشانند. این صدای زوزه که بی‌شبهت به حرکت اجسامی که از کنار انسان با سرعت می‌گذرند، نیست، با علامت ضمه (كُ) نشان داده می‌شود تا بیانگر آن باشد که این فعل به سمت آینده (و یا حال) در حرکت است!

همه‌ی فعل‌ها چنین سرآغازی را برای طیّی طریق به سمت آینده در پیش دارند؛ یعنی ابتدا علامتی را به‌عنوان انرژی در کنار خود قرار می‌دهند؛ نحوه‌ی برخورد این علامت انرژی‌زا به‌گونه‌ای است که حرف اول از سخن گفتن بازمی‌ماند و حرف بعدی نیازمند تعیین نوع حرکت می‌شود و حرف آخر هم به نشانه‌ی سیر به سوی آینده؛ زوزه‌وار، علامت ضمه را با خود همراه می‌کند!

□ دبیر محترم این صیغه را همانند روش‌های گذشته و با بهره‌گیری از مسابقه و بازی و سرگرمی و... آن مقدار تمرین می‌کند که فراگیر به راحتی بتواند در مقابل هر صیغه‌ی ماضی، قادر باشد صیغه‌ی مفرد مذکر غایب مضارع را بسازد.

این نکته را فراموش نکنیم که در مراحل آغازین، زیاد لازم نیست روی صیغه‌ها و یا ذکر مشخصات علمی هر صیغه تأکید کنیم؛ همین که دانش‌آموز دریابد که چگونه می‌تواند مثلاً کار «داداش کوچولو»ی خود را به زمان دیگر منتقل کند و در این مسیر چه فعل و انفعالاتی رخ می‌دهد، کافی است. در قدم‌های بعدی به تدریج، دانش‌آموز با مشخصات و ویژگی‌های هر صیغه بهتر و دقیق‌تر آشنا می‌شود. مسأله‌ی دیگری هم که باید مورد توجه قرار دهیم، اهتمام به معانی این صیغه‌ها است که در نوع مسابقه و بازی و تمرین‌ها باید به آن توجه کافی مبذول بداریم.

* علائم ضمیر

چهار علامت «ان ون ین ن» را نگاه کنیم!

این چهار علامت را با هم بخوانیم و تکرار کنیم.^۱ این تکرار را آن قدر ادامه دهیم که این چهار

۱- این‌گونه بخوانیم: «الف نون»، «واو نون»، «یو نون» «نون»!

علامت، ملکه‌ی ذهنی فراگیران شود!

* در مورد علائم «ان»، «ون»، «ن» می‌توانیم با بهره‌گیری از آنچه که در فعل ماضی گفتیم، آن‌ها را شبیه‌سازی کنیم. «ان» همانند داستان مثنی، «ون» شبیه داستان جمع و «ن» مانند قصه‌ی جمع مؤنث است. به عبارت دیگر علائم «الف»، «واو»، «نون» می‌تواند همان داستان‌ها و همان معانی و مفاهیم را در ذهن بچه‌ها تداعی کند.

علامتی که نیاز به شبیه‌سازی و تمثیل دارد، «ین» است که می‌توانیم از تمثیل ذیل برای جایگزین نمودن آن در ذهن دانش‌آموزان استفاده کنیم:

بچه‌ها! زبان فارسی و زبان عربی مانند دو بال یک پرنده‌اند. یک پرنده برای پرواز نیاز به این دو بال دارد. ما باید زبان عربی را هم یاد بگیریم تا بتوانیم زبان فارسی خودمان را بهتر و دقیق‌تر دریابیم. این ارتباط موجب شده که الفاظ و کلمات این دو زبان با یکدیگر مبادله شود و مثلاً از زبان عربی واژه‌هایی وارد زبان فارسی شود و همین‌طور بالعکس.

در این جا هم ما برای این که نشان دهیم «یک زن» کاری را انجام داده و یا مشقی را نوشته، آبی را نوشیده و... از زبان فارسی کمک می‌گیریم: «یاء» را از کلمه‌ی «یک» و «نون» را از واژه‌ی «زن» به عاریه می‌گیریم و این دو حرف را «ین» در آخر فعل می‌گذاریم و انرژی «ت» را نیز در آغاز قرار می‌دهیم. و لذا هرگاه با ترکیبی همانند «تکتبین» برخورد کردیم باید دریابیم که حرف «ت» نشان از مخاطب بودن فعل و «ین» علامت «یک زن» بودن آن است و از این‌رو معنای چنین فعلی می‌شود: تو می‌نویسی (مؤنث).

به همین ترتیب این صیغه را نیز با تکرار و تمرین در ذهن بچه‌ها جایگزین می‌سازیم؛ به نحوی که هرگاه با ترکیباتی از قبیل «تشرین، تجلسین، تذهبین، تأکلین و...» برخورد نمودند؛ بتوانند معنای صحیح و دقیق آن را بگویند و خود نیز اگر بخواهند صیغه‌ای در مورد مفرد مؤنث مخاطب بسازند، با همین شبیه‌سازی و یادآوری این تمثیل به راحتی قادر باشند آن را به انجام برسانند.

به این ترتیب صیغه‌های مختلف مضارع را نیز می‌توانیم در زمان اندکی آموزش دهیم و از آن جا که این مطالب با تمثیل و داستان همراه شده بچه‌ها با علاقه‌ی بیش‌تری مطالب را فرامی‌گیرند و دیرتر نیز آن را فراموش می‌کنند!

در قسمت «به‌خاطر بسپارید» خلاصه‌ی آموزش فعل ماضی و مضارع آمده است که دانش‌آموزان با نگاه به آن می‌توانند آموخته‌های خود را یادآوری کنند.

الف) ترجمه

- ۱- واژه‌ی «الطیر» بر مفرد و جمع دلالت می‌کند: پرنده، پرندگان. در این جا برای مناسبت با «الانسان» و «الحيوان» به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم.
- ۲- سیّد: آقا، سرور. «سیدنا»: ای آقای ما، ای سرور ما - حرف ندا قبل از این واژه حذف شده است: یا سیدنا...
- ۳- وجدت امرأة تحکم في مملكة سبأ = زنی را یافتم که در مملکت سبا حکمرانی می‌کند.
- ۴- إنه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم = همانا نامه از سوی سلیمان است و نامه این گونه است: به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان... و یا: نامه از سلیمان و به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان است.
- ۵- ربّ = ای خدای من

ب) قواعد

- ۱- سلیمان: غیر منصرف است و لذا به جای کسره، علامت فتحه را پذیرفته است.
- ۲- «تحکم» در «وجدت امرأة تحکم...» جمله‌ی وصفیه است که برای وصف «امرأة» آمده است.
- ۳- ضمیر «فیها» در «الناس فیها یعبدون الشمس» به «مملکت» برمی‌گردد.
- ۴- ضمیر «إنه» در «إنه من سليمان...» به «کتاب» (نوشته، نامه) برمی‌گردد.
- ۵- «یطلب» در «هذا کتاب یطلب...» جمله‌ی وصفیه است که «کتاب» را توصیف می‌کند.
- ۶- «أقویاء» غیر منصرف است و لذا تنوین نگرفته است.
- ۷- لا خوف = «لا»: نفی جنس، «خوف»: اسم لا و مبنی بر فتح
- ۸- «سبأ» منصرف است.
- ۹- ضمیر در «وصولها» به «ملکة» برمی‌گردد.
- ۱۰- «ربّ» در «الحمد لله ربّ العالمین» صفت است برای «الله»

تمارين

التمرین الأول

هدف از این تمرین بالا بردن قوه‌ی درک و فهم از متن است. دانش‌آموز در صورتی که متن را خوب فهمیده و ترجمه کرده باشد، به راحتی می‌تواند سؤالات مطرح شده را پاسخ دهد. پس از فراغت از این تمرین، می‌توانیم سؤالات دیگری را از متن درس انتخاب کنیم و از دانش‌آموزان بخواهیم که به آن‌ها پاسخ دهند؛ مانند:

۱- أين خرج سليمان (ع)؟

۲- لماذا خرج سليمان (ع)؟

۳- هل فرح سليمان (ع) لغياب الهدد؟

۴- من تحکم في مملكة سبأ؟

...

پاسخ این سؤالات بهتر است از حفظ خواسته شود تا دانش‌آموزان مجبور شوند ساختار جملات را حفظ کنند. این امر به ملکه‌سازی ساختار جملات در ذهن کمک فراوانی می‌کند.

التمرین الثاني

این تمرین در کنار تصویری که همراه با نتهای موسیقی آمده در صدد القای این مطلب است که فعل‌ها دارای آهنگ و وزن معینی هستند. ما برای آن که صیغه‌های مختلف ماضی و مضارع را یاد بگیریم لازم است که به آهنگ و آوای این واژه‌ها نیز توجه کنیم و تا به آن جا پیش رویم که به مجرد شنیدن کلمه‌ای بر این اوزان و آهنگ‌ها فوراً به فعل بودن آن کلمه حکم کنیم. رسیدن به این توانایی و مهارت مستلزم تکرار و تمرین فراوان است و لذا دبیر محترم برای یاددهی فعال و کاربردی لازم است بیش‌تر وقت آموزش را به سؤال و جواب و مسابقه و... اختصاص دهد تا دانش‌آموز مجبور شود که صیغه‌های مختلف افعال را دائماً در ذهن خود مرور کند.

التمرین الثالث



هدف از این تمرین یادآوری ضمائر منفصل است. در تمرین قبلی صیغه‌های فعل مورد توجه قرار گرفته بود، اما در این تمرین از دانش آموز خواسته شده اطلاعات خود را در مورد ضمائر منفصل نیز امتحان کند. با توجه به کلیدی بودن این هدف بایسته است که دبیر محترم پس از حل این تمرین با فعل‌ها و ضمائر دیگر نیز آموزش ضمائر منفصل را استمرار بخشد. انجام مسابقاتی از قبیل «کارت بازی» و... که برای آموزش این موضوع تهیه شده باشد، تحقق این هدف را آسان‌تر می‌سازد.

التمرین الرابع



با هدف تقویت یادگیری صیغه‌های مختلف فعل ماضی این تمرین فراهم شده است. دانش آموز با حل صحیح جدول به کلمه‌ی رمز «فعل ماضی» دست پیدا می‌کند. پس از حل جدول مذکور می‌توانیم به همین روش فعل‌ها و صیغه‌های دیگری از فعل ماضی را با دانش آموز تکرار و تمرین کنیم.

التمرین الخامس



در ادامه‌ی تمرین گذشته این تمرین به یادآوری صیغه‌های فعل مضارع پرداخته است. دانش آموز با حل صحیح جدول به کلمه‌ی رمز «فعل مضارع» دست پیدا می‌کند. پس از حل این جدول، همانند تمرین گذشته می‌توانیم صیغه‌های مختلف دیگری را از فعل مضارع مطرح کنیم و از دانش آموزان معادل عربی آن‌ها را بخواهیم.

در تمریناتی که برای یادآوری صیغه‌های ماضی و مضارع انجام می‌دهیم، همانند تمرینات کتاب می‌توانیم هم صیغه‌های عربی را مطرح کنیم و معادل فارسی آن‌ها را بخواهیم و هم به عکس عمل کنیم. تنوع در روش‌هایی که منجر به یادگیری فعل ماضی و مضارع می‌شود می‌تواند متضمن یادگیری این مطلب اساسی در آموزش یعنی «فعل» شود.

التمرین السادس



هدف از این تمرین، تقویت درک معنی و ترجمه‌ی عبارت است. ترجمه‌ی صحیح صیغه‌های فعل و نیز ضمائر منفصل از نکاتی است که در هنگام ترجمه‌ی عبارت باید به آن توجه کافی مبذول

شود. هدف دریافت معنای متن از اولویت‌های آموزش زبان عربی است که علاوه بر متن درس در چنین تمریناتی نیز به آن پرداخته شده است.

نکته: در عبارت «أنا أسجد...» واژه‌ی «رَبِّ» بدل یا عطف بیان است.

الدراسات القرآنية



هدف از آوردن بخش «الدراسات القرآنية» کاربردی‌تر کردن آموخته‌های دانش‌آموزان است. به منظور نشان دادن عملی این مطلب که آموخته‌هایمان در متن درس، ما را به تدریج به فهم و ترجمه‌ی آیات قرآن رهنمون می‌سازد، در هر درس بخشی تحت این عنوان آمده و آیاتی انتخاب شده تا این ارتباط ملموس‌تر و مشهودتر نشان داده شود.

در تمرین اول واژه‌هایی از متن درس انتخاب شده و سپس آیاتی از قرآن کریم که این واژه‌ها در آن‌ها به کار رفته آمده است، دانش‌آموز با دانستن معنای آن واژه‌ها و تطبیق آن‌ها با ترجمه‌ی داده شده باید جای خالی را پر کند؛ به عنوان مثال در جمله‌ی سوم از ترجمه‌ی «سجده می‌کنند» معلوم می‌شود که در جای خالی باید «یسجدون» به کار رود.

در تمرین دوم موضوع کلمات هم‌خانواده مطرح شده است. از آن‌جا که زبان عربی اشتقاقی است و لذا با مشاهده‌ی کلمات هم‌خانواده می‌توانیم معنای کلمه را حدس بزنیم. یکی از تمریناتی که دانش‌آموز لازم است بدان توجه کند، دریافت معانی واژه‌ها از طریق کلمات هم‌خانواده است؛ اگر در متن درس واژه‌ی «تصدق» آمده باشد و معنای آن را دانش‌آموز بداند، لازم است که بتواند معنای واژه‌ی «أصدق» و یا «صدق» و یا «مُصَدِّق» و... را حدس بزند. یعنی بتواند بگوید که معنای این واژه‌های خوانده نشده پیرامون «صداقت و درستی» است. به عبارت دیگر هر چند شاید نتواند معنای دقیق «أصدق» را بگوید اما با مقایسه با «تصدق» (که معنای آن را می‌داند) می‌تواند معنای «أصدق» را حدس بزند!

کلمات هم‌خانواده اولاً در حروف مشترکند، یعنی در همه‌ی کلمات هم‌خانواده نوع حروف با هم یکسان است. به این مثال توجه کنیم: غضب، غاضب، مغضوب، بغضب، و... ثانیاً حروف کلمات هم‌خانواده از جایگاه یکسانی برخوردارند. به عنوان مثال در مثال فوق، حرف «غ» در آغاز و حرف «باء» در پایان آمده است و لذا اگر جابه‌جایی در حروف به وجود آید از جرگه‌ی کلمات هم‌خانواده خارج می‌شوند. نکته‌ی دیگری که دانش‌آموز باید به آن توجه کند آن است که معمولاً کلمات هم‌خانواده در سه حرف مشترکند، اما شاید حروف دیگری هم باشد که مخصوص هر کلمه باشد و در کلمه‌ی دیگر

یافت نشود!

نکته ۱: ترجمه‌ی دقیق تر آیه‌ی «اولم یروا...» چنین است: آیا پرندگان بالای سرشان را ندیده‌اند که... «فوقهم» = شبه‌جمله حال برای «الطیر».

نکته ۲: ترجمه‌ی دقیق آیه‌ی «رب ادخلنی...» چنین است: پروردگارا مرا وارد کن وارد کردنی راست و نیکو. «مدخل» = مفعول مطلق

ترجمه‌ی تصویری

از جمله فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که دانش‌آموز انجام می‌دهد، انجام تمرین «ترجمه‌ی تصویری» است. هدف از این فعالیت، فهم و درک بهتر معانی و عبارات است. دانش‌آموزی که بتواند برای یک جمله، تصویر و یا نقاشی مناسبی تهیه کند، نشان می‌دهد که مفهوم عبارت را به خوبی درک کرده است.

از کارهای دانش‌آموزان می‌توانیم نمایشگاهی ترتیب دهیم و در کنار دست‌سازهای آموزشی که دانش‌آموزان برای انتقال مفاهیم درسی از طریق ابزارهای کمک‌آموزشی ساخته‌اند و فعالیت‌های دیگر دانش‌آموزان در این درس، به دانش‌آموزان و دیگر مخاطبان این نکته را القا کنیم که آموزش این درس وارد مرحله‌ی جدیدی شده و در این مرحله از آموزش دیگر تنها از طریق گچ و تخته نمی‌توان مواد آموزشی را آن‌گونه که باید و شاید سزاوار این مرحله است، منتقل کرد؛ بلکه لازم است دانش‌آموزان با شرکت در یک آموزش فعال و مشارکتی مطالب موردنظر را یاد بگیرند.

به‌عنوان نمونه برای جمله‌ی ذیل این تصاویر را می‌توانیم انتخاب کنیم:

* کشف شیئاً مهمّاً!

– دانش‌آموزی که با خوشحالی فریاد می‌زند: ...

– قاضی در مقابل متهم!

– فردی در حال باز کردن یک جعبه و یا...
.....

درس دوم با هدف آموزش اوزان کلمات و توجه و اهتمام به آهنگ و موسیقی واژه‌ها آماده شده است. بدین خاطر متن این درس نیز به گونه‌ای طراحی شده است که این اهمیت به شکل غیرمستقیم به دانش‌آموز انتقال پیدا کند.

در زمینه‌ی محتوای متن، به خاطر ایجاد تنوع و رغبت بیشتر در مخاطبان از متنی طنزآمیز استفاده شده است؛ متنی که در عین بهره‌گیری از ادبیات و محتوای طنز، توانسته است پیام‌های اخلاقی را نیز به دانش‌آموز منتقل کند. انتخاب واژه‌های قرآنی و کاربرد و بهره‌گیری از ساختارهای ساده نیز هم‌چنان در این متن مد نظر قرار گرفته است.

در قسمت قواعد نیز موضوع مهم آموزش «وزن کلمات» مطرح شده است. روش طرح قواعد در این کتاب همانند کتاب قبلی براساس روش فعال و اکتشافی طراحی شده است. ارائه‌ی موضوعات قواعد به شکل نمایشنامه و استنتاج مطالب از طریق غیرمستقیم از سوی دانش‌آموز در تمامی قواعد دروس کتاب رعایت شده است.

در تمرینات این بخش نیز تلاش شده تمامی نکات مطرح شده در متن و قواعد به شکل‌های مختلف در تمرین‌های متنوع و جذاب آورده شود.

واژه‌ها و ساختارهای قرآنی و روایی متن

۱- بعضی از واژه‌ها و یا عباراتی که مستقیماً در قرآن و روایات به کار رفته‌اند عبارتند از: جنود، عدو، سادة، حسن، أحسن (صیغه‌های مشابه)، ذهب، لیل، قلیل، أكثر، علینا، البحر، إن شاء الله، فرح، سمعتُ (صیغه‌های مشابه)، قائد، مواضع، طویل، کثیر، قریب

۲- بسیاری از واژه‌ها هر چند مستقیماً در قرآن و ادعیه به کار نرفته‌اند، اما هم‌خانواده‌های آن‌ها در این متون به کار برده شده‌اند؛ از آن جمله: استراق، خیمه، أمراء، قوات، وصل، راجعون، مقاتلین، قادمون

پیش‌نیازهای آموزشی

پیش از ورود به بخش «کلید طلایی» لازم است مقداری پیرامون آهنگ و موسیقی کلمات با دانش‌آموزان صحبت کنیم.

در زبان عربی علاوه بر نقش کلیدی حرکت حرف آخر کلمات، بقیه‌ی حروف نیز دارای علائم حرکتی (مَـ، ُـ) هستند. کسی که با این زبان صحبت می‌کند و یا متنی به زبان عربی را قرائت می‌کند لازم است به این حرکات و آواها توجه کند. نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما زبان عربی را یاد گرفته‌ایم بدون آن که توجه جدی به نحوه‌ی حرکت کلمات داشته باشیم.

دومین مطلبی که لازم است به آن توجه کنیم آن است که زبان عربی زبانی است اشتقاقی. این ویژگی مهم به ما این امکان را می‌دهد که با دانستن معنای یک واژه بتوانیم ده‌ها واژه‌ی دیگر را نیز از لحاظ معنایی حدس بزنیم. به‌عنوان مثال اگر معنای واژه‌ی «سَمِعَ» را بدانیم می‌توانیم حوزه‌ی معنایی واژه‌هایی از قبیل «یَسْمَعُ، اِسْمَعُ، سَامِعٌ، مَسْمُوعٌ، سَمَاعٌ، سَمِيعٌ» را نیز تصور کنیم. به‌عبارت دیگر شاید تشخیص معنای دقیق «سَمَاعٌ» را نتوانیم معین کنیم اما می‌توانیم حدس بزنیم که معنای این واژه در زمینه‌ی «شنیدن» است. لذا موضوع «وزن کلمات» و ساختن کلمات هم‌خانواده و توجه به ویژگی کلمات هم‌خانواده برای ما بسیار مهم و کلیدی است.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن

داستان دفاع مقدّس و رشادت‌های جوانان این مرز و بوم امری نیست که به‌بوته‌ی فراموشی سپرده شود. روایت‌ها و داستان‌هایی که از شجاعت و ایثار جوانان این سرزمین در افواه و کتاب‌ها و سینه‌ها وجود دارد لازم است همیشه زنده بماند و نسل به نسل از سینه‌ای به سینه‌ی دیگر منتقل شود. شجاعت رزمندگان ما آن‌گونه بود که حتی دشمنان نیز نتوانستند آن را کتمان کنند و در مناسبت‌های مختلف زبان به اعتراف گشودند و در مقابل این همه ایثار و از خودگذشتگی حیرت‌زده و مبهور گشتند. وظیفه‌ی ما معلّمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت جوانان این سرزمین آن است که این فداکاری‌ها و دلاوری‌ها را به نسل کنونی انتقال دهیم و آرمان‌ها و اهداف والای آن شهیدان و گورهای آسمانی را برای دانش‌آموزان تبیین نماییم.

پیش از ورود به داستان اصلی متن، معلّم مقداری از حال و هوای روزهای دفاع هشت ساله و

عشق و حماسه‌ی جوانان و دانش‌آموزان نسبت به دفاع از سرزمین و آیین خود صحبت می‌کند و سپس این مطلب را گوشزد می‌کند که موضوع متن این درس هر چند به شکل طنزآمیز مطرح شده اما فایده‌ای که دربر دارد آن است که از سویی ما را به حال و هوای آن روزها می‌برد و از طرف دیگر این نکته را به ما یادآوری می‌کند که همیشه و همه‌جا کثرت افراد و قوت امکانات و حمایت‌های مادی حرف اول را نمی‌زند؛ چه بسا وقایعی که انسان در نگاه اول نتواند آن‌ها را تصدیق کند و با عقل حساب‌گر و مادی مطابقت نداشته باشد، رخ دهد که تمامی نقشه‌ها و برنامه‌ها و امکانات مادی و برنامه‌ریزی شده را نقش بر آب کند. داستان این درس هر چند براساس طنز آماده شده اما نمونه‌های مشابهی همانند این داستان که امری ساده بتواند نقشه‌های پیچیده و برنامه‌های از پیش طراحی شده‌ی دشمن را کور کند، بسیار در جبهه‌ها اتفاق افتاده است که دبیر محترم می‌تواند در صورت نیاز و نیز فراهم بودن مقتضای حال و مقام، گوشه‌هایی از آن‌ها را برای دانش‌آموزان نقل کند.

قصه‌گویی متن درس را می‌توان این‌گونه آغاز کرد:

... شرایط سختی بود. بچه‌ها محاصره شده بودند و آذوقه و مهمات درحال تمام شدن بود. دشمن که گویا احساس کرده بود می‌تواند با یک حمله قدری روحیه‌ی سربازان خود را بالا ببرد جلسه‌ای با حضور فرماندهان تشکیل داد. در این جلسه همه‌ی فرماندهان حضور داشتند و همگی متفق‌القول بودند که باید دست به یک هجوم بزنند تا توان رزمی خود را به همگی نشان دهند. نقشه‌ها آماده شد... امکانات فراهم شد... و قرار شد برای تعیین شب حمله از گردان اطلاعات و عملیات، سربازی برای گرفتن اخبار به طرف سربازان ایرانی رهسپار شود. سرباز از بخت برگشته نزدیک چادر نیروهای ایرانی می‌رسد و به استراق‌سمع می‌پردازد؛ اما خدا این‌گونه خواسته بود که اطلاعات مطرح شده در چادر را به صورت وارونه دریافت کند. او خوشحال از این که اطلاعات دست اولی کسب کرده با فرماندهان خود تماس می‌گیرد و آن‌ها را از یک خطر حتمی مطلع می‌کند... که... بله... نیروهای دشمن با آرایش جنگی تمام آماده‌ی کارزار سختی هستند و شبانه با نیروهای دریایی و غواصان زنده و کارآموده در صدد هجوم به نیروهای مقابل هستند و...

غافل از این که نیروهای محاصره شده نه نقشه‌ای داشتند و نه در صدد هجوم بودند، بلکه آن‌ها در فکر چاره‌ای بودند که از خط محاصره بیرون بیایند و مجروحان را به سلامت از این محاصره برهانند...

دشمن که خود را غافلگیر احساس می‌کرد هراسان و دست‌پاچه فرمان عقب‌نشینی داد و به این‌گونه خطری حتمی از گوش رزمندگان برطرف شد.

نکته: از درس دوم می‌توانیم به‌جای قصه‌پردازی و بیان ماقع حوادث درس به زبان فارسی تلاش کنیم که با استفاده از عبارات‌های ساده‌ی عربی، متن موجود را به شکلی تفصیلی‌تر به زبان عربی برای بچه‌ها بازگو کنیم و آن‌ها را در متن حوادث و جریانات جزئی‌تر قرار دهیم. در این مرحله می‌توانیم از نوارهای کاست نیز استفاده کنیم و متن داستان را از طریق نوار برای بچه‌ها آموزش دهیم. به سخن دیگر هر چه قدر تلاش کنیم که بچه‌ها بیش‌تر در فضای زبان عربی تنفس کنند و عبارات‌های عربی را بشنوند و با آن خو کنند، ثمرات بهتری را در آینده می‌توانیم برداشت کنیم.

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

مواردی را که در ذیل همین عنوان در درس اول بیان شد، در این‌جا نیز عمل می‌کنیم. به قرائت متون و صحیح‌خوانی و روان‌خوانی عبارات در کنار تلاش برای فهم صحیح و درک درست از متون و عبارات باید توجه کنیم. از این‌رو هرگاه قرار باشد متن روخوانی شود و یا تمارین حل گردد، به نحوه‌ی قرائت دانش‌آموزان توجه کنیم و در صورت نیاز به مواردی که از سوی آن‌ها رعایت نمی‌شود، اشاره کنیم.

۳- توجه به «عبارات هدف» در متن درس

پس از قرائت اولیه و دریافت مفهوم عبارات متن از دانش‌آموزان می‌خواهیم که در متن درس به شکار جملاتی بپردازند که داستان متن روی آن پایه‌گذاری شده و حوادث پیش آمده بر آن اساس چیده شده است. این جملات همان‌هایی هستند که سرباز دشمن آن‌ها را به اشتباه می‌فهمیده و به‌گونه‌ای دیگر منتقل می‌کرده است. این جملات عبارتند از:

عددالمقاتلین قلیل.	عددالمقاتلین کثیر.
أکثرهم مجروحون	... مسرورون
أنا مسؤول	... مسعود
علینا الرجوع	... هجوم
نحن راجعون	... قادمون

پس از آن که دانش‌آموزان عبارات‌های کلیدی را مشخص کردند می‌توانیم توجه آن‌ها را به این

موضوع جلب کنیم که ... بچه‌ها! به نظر شما چه شباهتی میان «قلیل» و «کثیر» و یا «مجر و حون» با «مسرورون» و ... وجود دارد؟ چرا سرباز به جای کلمه‌ی اصلی، واژه‌ی دیگری را تصور نموده است؟ ... بله! آهنگ و وزن این واژه‌ها با هم یکسان است. چیزی که موجب اشتباه گیرنده‌ی الفاظ شده، همان مشابهت وزنی است!

در این جا همین اشاره برای نشان دادن اهمیت شناخت وزن کلمات، کافی است. در مراحل دیگر این موضوع بهتر و دقیق تر شکافته می‌شود.

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

در این مرحله دانش‌آموزان بار دیگر به متن مراجعه می‌کنند و آن را ابتدا با دقت قرائت می‌کنند و سپس به ترجمه‌ی دقیق آن می‌پردازند.

در این قسمت اگر کلاس را گروه‌بندی کرده باشیم می‌توانیم گروه‌ها را مورد خطاب قرار دهیم و از آن‌ها بخواهیم که کار خود را در زمینه‌ی قرائت و ترجمه ارائه دهند.

در قسمت «ترجمه» معیار ما در ترجمه‌ی عبارات، ترجمه‌ی تحت‌اللفظ روان است. به این معنی که اولاً تلاش کنیم جمله را آن گونه که هست - بدون هیچ گونه دخل و تصرفی - ترجمه کنیم، ثانیاً کوشش کنیم در مرحله‌ی دوم جمله‌ی ترجمه شده را روان و سلیس و مطابق با دستور زبان فارسی بیاوریم. مراد از ترجمه‌ی تحت‌اللفظ آن است که دانش‌آموز می‌بایست از همان سال اول این نکته را دریافته باشد که لازم است همه‌ی واژه‌ها دقیق و همان گونه که هست ترجمه شوند؛ ضمایر، افعال، اسم‌های اشاره و ... مورد توجه قرار گیرند و لفظی حتی‌الامکان از چشم دور نماند و یا واژه‌ای دور از متن به متن ترجمه شده اضافه نشود. پس از این مرحله لازم است که دانش‌آموز عبارت برگردانده شده به فارسی را به جمله‌ای روان و ساده و دلنشین تبدیل کند!

نکته: همه‌ی متن‌های کتاب قابلیت اجرای نمایشی را دارند، اما بعضی از متن‌ها این امکان را بهتر فراهم می‌کنند. درس دوم از جمله دروسی است که می‌توان برای متن آن، اجرای نمایشی داشت. اجرای نمایشی این متن لزوماً به معنی تهیه‌ی بی‌سیم و چادر و لباس نظامی و ... نیست بلکه به طریقه‌ی ساده و خالی از همه‌ی این امکانات نیز میسر است. تنها باید این نکته را مدنظر قرار داد که لحن جملات ادا شده مطابق شخصیت گوینده و غرض متکلم از ادای آن عبارت باشد. جملاتی که فرماندهان دشمن بر زبان می‌رانند و تمجیدها و تحسین‌های شنوندگان و یا صحبت‌های فرماندهی نیروهای خودی و ... لازم است مطابق شخصیت گویندگان باشد تا نشاط و تحرک لازم را به متن بدهد و دانش‌آموزان، فعال‌تر و با نشاط‌تر در متن خوانی و ترجمه‌ی دقیق متن مشارکت کنند.

۵- تمرین وزن و آهنگ

برای این که دانش‌آموز برای ورود به «کلید طلایی» آماده شود، لازم است پس از پایان قرائت متن درس، سرّی به حوزه‌ی «وزن کلمات» بزنیم و او را با موضوع مورد بحث بیشتر آشنا کنیم. برای این کار می‌توانیم کلماتی را از متن درس انتخاب کنیم و از خودمان نیز واژه‌هایی را اضافه کنیم و از دانش‌آموزان بخواهیم واژه‌های غریبه را جدا کنند. مخاطب این سؤالات می‌تواند گروه‌هایی باشند که ما در کلاس ایجاد کرده‌ایم. به عنوان مثال واژه‌های «هجوم، حصول، جنود، صعود» را عنوان می‌کنیم و در میان آن‌ها واژه‌های مثلاً «سریع» را نیز داخل می‌کنیم. گروه‌های مورد سؤال باید بتوانند واژه‌ی غریبه را تشخیص دهند. در مرحله‌ی دوم همین واژه‌ها را مطرح می‌کنیم و سپس حروفی از کلمه‌ی موردنظر را می‌گوییم و از آن‌ها می‌خواهیم که همانند وزن آن کلمات، این حروف را نیز همانند آن کلمات و بر همان وزن و قالب بسازند: «جنود، هجوم، حصول» ↔ ص، ع، د (صعود)

۶- درک مفهوم درس

در آخرین مرحله از قرائت متن، لازم است به این اطمینان برسیم که تمامی متن به دقت خوانده شده و عبارات و مفاهیم آن به خوبی در ذهن دانش‌آموزان جایگزین گشته است. از این رو پس از آن که مطمئن شدیم قرائت متن و ترجمه‌ی عبارات انجام گرفته و مشکلی در این زمینه وجود ندارد، به طرح سؤالاتی از متن می‌پردازیم و از دانش‌آموزان می‌خواهیم که با دقت و تأمل به آن‌ها پاسخ دهند. برای این قسمت هم می‌توانیم گروه‌هایی را که در کلاس تشکیل داده‌ایم فعال کنیم و میان گروه‌ها مسابقه ترتیب دهیم و به این نحو، نشاط و تحرک علمی دانش‌آموزان را تقویت کنیم. علاوه بر سؤالاتی که در «التمرین الأول» آمده و ما در این جا نیز می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم، سؤالات ذیل نیز می‌تواند مطرح شود:

– هل كانت معنويات الجنود قویّة؟

– متى وصل جندي العدو إلى موضع قواتنا؟

– متى ذهب الجندي إلى مقرّ قواتنا؟

– هل سمع الجندي الكلمات بصورة صحيحة؟

– من فرح بالمعلومات السريّة؟

– ماذا سمع جنديّ العدو؟

–

در ابتدای مسابقه می‌توانیم یک و یا دو سؤال را به فارسی مطرح کنیم اما سعی کنیم از سؤال سوم به بعد به عربی سؤال کنیم و به عربی پاسخ بخواهیم. این کار در یادگیری تأثیر غیرقابل انکاری دارد.

۷- آموزش کلید طلایی

تشخیص وزن کلمات از جمله مطالب مهمی است که یادگیری آن می‌تواند دانش‌آموز را در زمینه‌ی ترجمه و درک معنای واژه‌ها کمک کند. تعیین وزن واژه‌ها این توانایی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند که بتواند چهارچوب معنای واژه را تعیین کند. از طرفی دیگر توجه به وزن و قالب واژه‌ها این دقت را در مخاطب پرورش می‌دهد که لازم است به علائم حرکتی کلمات (سُ) توجه کند و هر واژه را دقیقاً مطابق آن چه که هست قرائت نماید. در زبان عربی به موسیقی واژه‌ها و حرکات حروف اهمیت داده می‌شود و خواننده‌ی یک متن لازم است به چگونگی این علائم توجه کند.

در این درس ابتدا به نحوه‌ی یافتن وزن کلمات می‌پردازیم و سپس فواید این یادگیری را برمی‌شمریم و نمونه‌هایی از آن را نشان می‌دهیم.

حروف

خانم معلم به محض ورود به کلاس، سه کارت را نشان بچه‌ها داد که روی آن‌ها سه حرف «ف»، «ع»، «ل» نوشته شده بود. او سپس سه نفر از بچه‌ها را صدا زد که نام اولشان با یکی از این سه حرف شروع می‌شد و به دست هر کدام یکی از آن کارت‌ها را داد.

فرشته ← ف

عطیه ← ع

لیلی ← ل

او از آن‌ها خواست که اولاً به همین ترتیب از راست به چپ بایستند: ابتدا: فرشته و سپس عطیه و بعد لیلی و ثانیاً به هیچ وجه جای خود را تغییر ندهند.

خانم معلم رو کرد به فرشته و گفت:

— اگر من حرف مثلاً «ن» را به تو بدهم آیا علامت خود را فراموش می‌کنی؟

فرشته گفت: نه! من همیشه «ف» هستم!

عطیه هم گفت: من همیشه «ع» هستم!

لیلی هم گفت: من هم همیشه «ل» هستم.

خانم معلّم که از جواب بچه‌ها خوشش آمده بود گفت: پس بچه‌ها! به من بگوئید بینم این سه حرف چه کلمه‌ای را تشکیل می‌دهند؟

— ... (فعل)!

— آفرین!

یکی از بچه‌ها پرسید:

خانم! حرکت این سه حرف چگونه است؟ آیا باید این کلمه را «فِعْل» بخوانیم یا «فَعْل» و یا...؟
خانم معلّم پاسخ داد: برای آن که به سؤال شما جواب دهم از شما یک سؤال می‌کنم: آیا حرف «ف» فقط می‌تواند علامت «ـِ» را قبول کند یا می‌تواند علامت «ـَ» و یا «ـُ» را نیز قبول کند؟

بچه‌ها همگی پاسخ دادند: نه! حرف «ف» می‌تواند علامت‌های ـِ را قبول کند.
— پس این نتیجه را می‌توانیم بگیریم که حرکت این سه حرف همیشه یکسان نیست! برای این که بیشتر متوجه شویم برای شما یک مثال می‌زنم: در متن درس با کلمه‌ی «نَصَرَ» آشنا شدیم. حروف این کلمه را به این سه نفر می‌دهیم:

به فرشته، حرف «ن»

به عطیه، حرف «ص»

به لیلی، حرف «ر»

ن ص ر

— خوب! در کلمه‌ی «نصر» حرکت حروف چگونه است؟

— هر سه علامت فتحه (ـَ) دارند!

— خوب! ما هم این سه علامت را روی «ف»، «ع»، «ل» می‌گذاریم:

نَصَرَ ← فَعْلَ

بنابراین هرگاه بخواهیم وزن یک کلمه را پیدا کنیم، آن کلمه را در یک قالب می‌ریزیم. این قالب از سه حرف «فعل» (ف، ع، ل) تشکیل شده است. حرکت این قالب، متناسب با حرکت حروف آن کلمه است. به مثال‌های ذیل توجه کنیم:

رَجَعَ ← فَعْلَ

عَلِمَ ← فَعْلَ

نَصِرَ ← فُعِلَ

صَعِبَ ← فَعْلَ

ظُهر ← فُعل

یکی از بچه‌ها پرسید : خانم! همه‌ی کلمات که سه حرفی نیستند ؛ وزن کلماتی مانند ناصر، مجروح، تفقد، استخراج و ... را چگونه پیدا کنیم؟

خانم معلّم که از این سؤال خوشحال شده بود گفت : سؤال بسیار خوبی است، الآن به شما یاد می‌دهم که هر کلمه‌ای را که به شما دادند چگونه تعیین وزن می‌کنیم؟!

– بچه‌ها! این سه حرفی که دست دوستان شما است، یعنی «ف»، «ع»، «ل» حروف اصلی و یا افراد اصلی کلمه هستند. همه‌ی کلمات (سه حرفی، چهار حرفی، پنج حرفی) این حروف اصلی را دارا هستند! اگر ما بتوانیم تشخیص دهیم که در یک کلمه حروف اصلی کدام است ؛ در این صورت به جای این حروف، سه حرف «ف»، «ع» و «ل» را قرار می‌دهیم و حروف دیگر را به همان صورت خود در قالب جاسازی می‌کنیم و تغییری در آن‌ها ایجاد نمی‌کنیم.

این حرف‌ها گویا برای بچه‌ها مقداری مبهم بود. از نگاه آن‌ها می‌شد تشخیص داد که چیزی از صحبت‌های معلّم متوجه نشده‌اند. این بود که یکی از بچه‌ها پرسید : خانم! از کجا بفهمیم که کدام حرف اصلی و کدام حرف فرعی است؟

خانم معلّم تبسمی کرد و گفت : بچه‌ها! یادتون می‌آد که از دبستان با کلمات هم خانواده آشنا شده‌اید؟! گاهی کلمات برای خود یک سری فامیل و دوست و آشنا دارند. بنابراین برای این که بتوانیم حروف اصلی یک کلمه را تشخیص دهیم باید افراد فامیل و خویشاوندان آن کلمه را پیدا کنیم! یک مثال ساده برای شما می‌زنم :

می‌خواهیم وزن و قالب کلمه‌ی «عالم» را پیدا کنیم. به عبارت دیگر می‌خواهیم با قالب «ف، ع، ل» بگوییم که «عالم» چه وزن و آهنگ و ظاهری دارد! یک راه این است که با تمرین و تکرار آن قدر با کلمات مختلف تمرین کنیم که به محض شنیدن «عالم» فوراً بگوییم : «فاعل»! در این جا به جای «ع، ل، م» سه حرف «ف، ع، ل» نشسته و حرف «ا» در خود قالب هم تکرار شده است. این نوع تعیین وزن با تمرین و تکرار فراوان حاصل می‌شود. اما اگر بخواهیم با استفاده از قانون و براساس ضابطه به تعیین قالب کلمه بپردازیم لازم است حروف اصلی را تشخیص دهیم. برای این کار چند کلمه‌ی هم‌خانواده با «عالم» را پیدا می‌کنیم :

عالم ← معلوم، علیم، مُعلّم، ...

کدام یک از حروف در تمامی کلمات به کار برده شده‌اند؟!

ع، ل، م

پس این سه حرف اصلی هستند و بقیه فرعی! لذا در «عالم» به جای «ع، ل، م» سه حرف قالب را می‌آوریم و حرف فرعی (الف) را به همان صورت در قالب می‌آوریم و به این ترتیب قالب «فاعل» ساخته می‌شود! حرکت حروف «عالم» با «فاعل» هماهنگ است!

خانم معلم می‌خواست در این زمینه کار بیشتری بکند. «یاسمن» را صدا زد و به او کارت «ی» را داد و سپس رو کرد به بچه‌ها و گفت:

بچه‌ها! یاسمن باید کجا بایستد؟!

بچه‌ها قدری تأمل کردند ... یکی گفت: خانم! شما بفرمایید وزن و قالب کدام کلمه را می‌خواهید پیدا کنید، تا ما جای «یاسمن» را پیدا کنیم؟!

– وزن کلمه‌ی «جمیل»!

– ظاهراً یاسمن باید قبل از حرف آخر بایستد!

– خوب! در این صورت قالب اصلی به چه شکلی درمی‌آید؟

– فَعِيل!

– خانم! از طریق کلمات هم خانواده چگونه وزن را پیدا کنیم؟

– خیلی آسون! چند تاکلمه‌ی هم خانواده با «جمیل» بگوئید!

– جَواد ...

– نه ... نه ... کی می‌تونه بگه «جواد» چرا هم خانواده‌ی «جمیل» نیست؟!

– خانم! به خاطر این که سه حرف اصلی مشترک ندارند!

– آفرین! دو ملاک برای کلمات هم خانواده وجود دارد:

۱– وجود سه حرف مشترک

۲– رعایت ترتیب. یعنی در همه‌ی کلمات ترتیب آمدن سه حرف یکسان باشد! پس چه کلماتی با

«جَمیل» هم خانواده‌اند؟

جمال، تَجَمُّل، تجمیل و ...

سه حرفی که در همه‌ی حروف آمده، کدام است؟

– ج، م، ل

– پس در کلمه‌ی «جَمیل» حرف «یاء» فرعی است و باید به همین شکل در قالب آورده شود،

اما به جای سه حرف دیگر، حروف قالب را می‌آوریم:

جَمِيل ← فَعِيل

به این ترتیب ما می‌توانیم قالب هر کلمه را پیدا کنیم. مثلاً کلمه‌ی «استخراج» را در نظر بگیریم:

استخراج

کلمات هم‌خانواده‌ی این لفظ را پیدا کنیم!

خارج، خروج، مخرج، مخارج

کدام یک از حروف در همه‌ی کلمات هستند؟

خ ر ج

پس در کلمه‌ی «استخراج» به جای این سه حرف از حروف قالب (ف، ع، ل) استفاده می‌کنیم و حروف دیگر را به همان صورت در قالب نیز تکرار می‌کنیم:

اِسْتِخْرَاج ← اِسْتِنْفَعَال

نکته ۱: معلم محترم با این روش می‌تواند قالب اغلب کلمات را برای بچه‌ها توضیح دهد و از آن‌ها «وزن‌سازی» آن کلمات را بخواهد. نکته‌ای که باید توجه کنیم آن است که تعیین وزن کلمات بیش از آن که نیاز به تفکر و تأمل داشته باشد، نیازمند تکرار و تمرین و ممارست است. وزن‌یابی باید آن قدر تمرین شود که بچه‌ها به محض شنیدن کلمه، قادر باشند وزن آن را معین کنند. برای این کار لازم است در آغاز وزن کلماتی از قبیل: ناصر، صاحب، معلوم، منصور، سمیع، بصیر، و ... با بچه‌ها تمرین شود و سپس واژه‌هایی با کلمات بیشتر را تمرین کنیم: امتحان، مساجد، شهداء و ... از کارهای دیگری که برای تقویت وزن‌سازی می‌توانیم انجام دهیم آن است که ابتدا یک وزن مانند «فاعل» را روی تخته و یا روی یک کارت به بچه‌ها نشان دهیم و سپس از آن‌ها بخواهیم که هر کلمه‌ای که گفته می‌شود آن را به قالب «فاعل» ببرند: كَتَبَ، نَصَرَ، خَرَجَ و ... همین کار را با قالب‌های دیگر از قبیل مفعول، فعیل، يَفْعُلْ، فَعَلْ و ... تکرار کنیم و آن قدر این کار را ادامه دهیم که مطمئن شویم وزن‌سازی کلمات ملکه‌ی ذهنی دانش‌آموزان شده است. در مراحل بعدی کلمات دشوارتری را عنوان کنیم و از آن‌ها وزن آن الفاظ را بخواهیم.

نکته ۲: تعیین وزن کلمات از طریق واژه‌های هم‌خانواده نیز لازم است مورد توجه قرار گیرد.

در این زمینه به چند نکته توجه کنیم:

۱- معمولاً همه‌ی کلمات هم‌خانواده دارای یک معنای مشترک هستند.

۲- کلمات هم‌خانواده حداقل دارای سه حرف اصلی مشترک می‌باشند.

۳- حروف اصلی در همه‌ی کلمات هم‌خانواده از لحاظ مکان و جایگاه قرار گرفتن در کلمه مشابه هستند. به عبارت دیگر اگر مثلاً حرف باء در یک کلمه قبل از دو حرف اصلی دیگر آمده در بقیه‌ی کلمات نیز این گونه است و لذا الفاظی مانند «جَبَل» و «بَجَل» هم‌خانواده نیستند!

نکته ۳: در این جا بد نیست که مقداری از فایده‌ی یادگیری اوزان کلمه صحبت کنیم و به

دانش‌آموزان بگوییم که اگر بتوانیم وزن کلمات را به‌طور صحیح تشخیص دهیم و حروف اصلی آن‌ها را پیدا کنیم؛ علاوه بر آن که مراجعه به کتاب‌های لغت برای ما آسان می‌شود، خودمان نیز قادر خواهیم بود که تا حدودی محدوده‌ی معنایی واژه را حدس بزنیم. به عنوان مثال اگر ما معنای کلمه‌ی «يُطْعِمُ» را ندانیم اما بتوانیم تشخیص دهیم که «طعم» سه حرف اصلی این کلمه است و از هم‌خانواده‌های این واژه یکی «طعام» است می‌توانیم با دانستن معنای «طعام» (که در فارسی هم به کار می‌رود) حدس بزنیم که «یطعم» نیز در مورد «غذا و غذا دادن و ...» است و همین‌طور واژه‌های دیگر!

نکته ۴: معنای اوزان «فاعل»، «مفعول»، «فعلیل» جزء اولویت‌های اولیه‌ی آموزش نیست؛

اما اگر بخواهیم علاوه بر کار ظاهری با واژه‌ها قدری هم در مورد معانی آن‌ها با بچه‌ها صحبت کنیم؛ می‌توانیم توضیحاتی هم درباره‌ی معانی این اوزان بگوییم، اما کنکاش و ورود به جزئیات و دشوار کردن موضوع از مسائلی است که باید از آن اجتناب کرد. همین قدر که دانش‌آموز بداند کلمات بر وزن «فعلیل» معمولاً همانند صفت ساده‌ی زبان فارسی (خوب، بد، زشت، زیبا و ...) ترجمه می‌شود و یا کلمات بر وزن «فاعل» در زبان فارسی همراه پسوندهایی از قبیل «(ا)»، «(نده)» (دانا، شنونده و ...) می‌آید و یا کلمات بر وزن «اسم مفعول» معمولاً در زبان فارسی همراه پسوند «(شده)» (شنیده شده، زخمی شده و ...) می‌آید، کفایت می‌کند.

تمارین

التمرین الأول

هدف از این تمرین، فهم بهتر محتوای متن درس است. همان طور که در قسمت ششم (درک مفهوم درس) گفته شد، معلم محترم می تواند علاوه بر سؤال های مطرح شده در این تمرین، سؤالات دیگری را نیز طرح کند و تمامی جزئیات درس را به شکل سؤال طراحی کند و از دانش آموزان پاسخ آن ها را به عربی بخواهد. دقت کنیم که سؤالات به گونه ای طرح شوند که مستلزم جمله سازی طولانی و یا دشوار نباشند. همین که دانش آموز سؤال را درک کند و با بهره گیری از کلمات عربی بخواهد پاسخ آن ها را بدهد، گام مناسبی در جهت فهم متن برداشته شده است. معلم توانا در این زمینه غلط های احتمالی را با شرح صدر می شنود و آن ها را در صورت نیاز تصحیح می کند و دانش آموزان را به تلاش بیشتر تشویق و ترغیب می نماید.

التمرین الثاني

هدف از این تمرین یافتن کلمات مناسب برای یک گروه از قالب ها و اوزان است. برای این کار دانش آموز باید قالب ها را چندین بار برای خود تکرار کند و وزن و آهنگ و موسیقی آن ها را به خاطر بسپارد و سپس به متن مراجعه کند و مطابق آن آهنگ و قالب، کلمه ی مناسب را برگزیند. به عنوان مثال وزن و قالب «فَعَلَ» را به خاطر بسپارد و سپس با مراجعه ی به متن در پی یافتن کلمه ای متناسب با این آهنگ باشد. کلماتی مانند «ذَهَبَ»، «وَصَلَ» کلمات مورد نظر هستند. واژه ی «ذَهَبَ» همراه حرف «فاء» آمده: «فَذَهَبَ» ولی از آن جا که این کلمه از دو قسمت تشکیل شده: ف + ذَهَبَ و لذا جزء دوم یکی از جواب های مورد نظر ما است. کلمه ای مانند «نَعَم» جواب مورد نظر نیست زیرا وزن داده شده دارای قالب «فَعَلَ» است و «نَعَم» در حرف آخر دارای حرکت مناسب با قالب (فَعَلَ) نیست! قسمت هاشور خورده به این معنی است که برای قالب های «فَعَلْتُ» و ... تنها انتخاب یک واژه مورد نظر است.

التمرین الثالث



در این تمرین نیز به گونه‌ای تلاش شده تا گوش دانش‌آموز با آهنگ و وزن کلمات بیشتر آشنا شود و توجه او نسبت به حرکات حروف و موسیقی کلمه هرچه بیشتر و بهتر جلب شود. او برای آن که کلمه‌ی هم‌آهنگ با مثلاً «عجیب» را پیدا کند باید حرکات و سکانات این کلمه را برای خود چندین بار تکرار کند و سپس به ستون مقابل برود و ملاحظه کند که کدام کلمه با این قالب و آهنگ و موسیقی متناسب است. او پس از جست‌وجو از قرین کلمه‌ی موردنظر به واژه‌ی «طریق» برخورد می‌کند که هم‌وزن واژه‌ی «عجیب» است. برای آن که موضوع وزن و قالب هرچه بهتر برای دانش‌آموزان جابفتد، علاوه بر واژه‌های این تمرین، می‌توانیم واژه‌های دیگری را نیز انتخاب کنیم و از دانش‌آموزان بخواهیم که با دقت روی آهنگ کلمه به جواب موردنظر دست پیدا کنند.

التمرین الرابع



هدف از این تمرین یافتن حروف اصلی یک کلمه است. حروف اصلی حروفی هستند که در تمامی کلمات هم‌خانواده تکرار می‌شوند و لذا اگر ما بتوانیم معنای یک واژه را یاد بگیریم قادر خواهیم بود معنای کلمات هم‌خانواده‌ی آن واژه را نیز حدس بزنیم!

در هنگام آموزش وزن‌یابی، دانش‌آموز با کلماتی که بر وزن «فاعل، مفعول، فعلیل» هستند، آشنا شده و دریافته که در این اوزان، حروف اصلی کدامند؛ بنابراین به راحتی می‌تواند حروف اصلی کلماتی از قبیل «حامد، نظیر، مقدور» را پیدا کند. در کلماتی مانند «غفور، احمد، غفران» هم به راحتی یافتن حروف اصلی امکان‌پذیر است. «غافر، مغفرة، حمد، حمید» از واژه‌های هم‌خانواده‌ی «غفور و احمد» می‌باشند. دانش‌آموز بدون این راهنمایی هم باید بتواند حروف اصلی این کلمات را بیابد، چرا که در خودگویی‌ها کلماتی آمده که تعدادی از آن‌ها با هم هم‌خانواده هستند.

پس از حل این تمرین، دانش‌آموز باید قادر باشد حروف اصلی کلمات را پیدا کند و لذا پس از حل این تمرین می‌توانیم میان بچه‌ها مسابقه‌ای ترتیب دهیم و کلمات مختلفی را مطرح کنیم و حروف اصلی آن‌ها را بخواهیم. در مرحله‌ی بعد می‌توانیم کلمه‌ای را بگوییم و از دانش‌آموزان هم‌خانواده‌ی آن را بخواهیم. این کار موجب می‌شود که دانش‌آموز یاد بگیرد با دانستن یک واژه می‌تواند کلمات بسیاری را فرا بگیرد. تمرین کلمه‌سازی و یافتن کلمات هم‌خانواده هم‌چنین این کمک را به دانش‌آموز می‌کند که با دیدن یک واژه بتواند سریعاً حروف اصلی آن را پیدا کند.

التمرین الخامس

هدف از این تمرین، یافتن وزن کلمات با دقت نمودن روی حروف اصلی است. تصویر این تمرین در صدد القای این نکته است که کلمات همگی دارای آهنگ و موسیقی هستند و در زبان عربی توجه به نوع آهنگ کلمات مهم است. یافتن حروف اصلی با توجه به کلمه‌ی هم‌خانواده‌ای که در کنار آن آمده کار یافتن وزن را تسهیل کرده است. پیش از این دانش‌آموز یاد گرفته که حروف اصلی در تمامی کلمات هم‌خانواده تکرار می‌شود و لذا دانش‌آموز در تعیین وزن به جای آن‌ها از سه حرف «ف، ع، ل» استفاده می‌کند و به جای حروف دیگر، خود آن حروف را تکرار می‌کند. به عنوان مثال در واژه‌ی «محسن» با توجه به هم‌خانواده‌ی این کلمه (احسان)، سه حرف «ح، س، ن» حروف اصلی هستند زیرا در هر دو کلمه تکرار شده‌اند و حرف «م» غیر اصلی است و از این رو در هنگام تعیین وزن، حرف «م» در قالب، بار دیگر آورده می‌شود و آهنگ و موسیقی حروف نیز به قالب منتقل و وزن «مُفْعِل» ساخته می‌شود. در مورد واژه‌های دیگر نیز به همین ترتیب عمل می‌کنیم. هرچقدر این کلمات تکرار و تمرین شود و وزن یابی برای کلمات مختلف صورت بگیرد، موضوع یافتن وزن و تعیین حروف اصلی بهتر در ذهن بچه‌ها جایگزین می‌شود و این امر به صورت ملکه‌ی ذهنی آن‌ها درمی‌آید!

التمرین السادس

هدف از این تمرین توجه به قالب‌ها و وزن‌ها و یافتن کلماتی متناسب و هم‌شکل و هم‌وزن با آن قالب‌ها است. در تمرین قبلی، دانش‌آموز کلمه را می‌شنید و سپس برای آن قالب تعیین می‌کرد، اما در این تمرین قالب به دست اوست و او به دنبال کلماتی می‌گردد که در این قالب‌ها جا بگیرند. در نهایت دانش‌آموز به این توانایی می‌رسد که بتواند برای هر واژه، وزن و قالب معینی را پیدا کند و از این طریق قادر شود که حروف اصلی را مشخص نماید. یافتن حروف اصلی می‌تواند به ما کمک کند که معنای واژه در چه حوزه‌ای قرار گرفته است و لذا تا حدودی می‌توانیم به معنای واژه‌ی موردنظر دست پیدا کنیم.

به عنوان مثال در آیه‌ی اول واژه‌ی «مغضوب» هم اندازه و هم وزن قالب «مفعول» است و لذا سه حرف «غ، ض، ب» (غضب) حروف اصلی هستند. اگر ما معنای «غضب» را بدانیم می‌توانیم معنای «مغضوب» را نیز حدس بزنیم!

در واژه‌هایی مانند «للسائل» و «المحروم» لازم است زوائد را از واژه حذف کنیم و سپس

وزن آن کلمه را معلوم نماییم :

للسائل (السائل) ← سائل المحروم ← محروم

نکته‌ای را که نباید از نظر دور بداریم آن است که حرکت حرف آخر نمی‌تواند در تشخیص وزن و قالب ملاک باشد. به این خاطر در تعیین وزن واژه‌ای مانند «صالحاً» توجه کنیم که این کلمه همان «صالح» است و لذا وزن آن همان «فاعل» خواهد بود.

التمرین السابع

در این تمرین مجموعه‌ی اطلاعاتی که دانش‌آموز در تمرینات قبلی به آن رسیده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگر دانش‌آموز وزن‌یابی را با کلمات مختلف تمرین کرده باشد و آهنگ و موسیقی کلمات و قالب آن‌ها برای او ملکه شده باشد، به محض شنیدن کلمه‌ای مانند «ناصر» باید بگوید: «فاعل». اما اگر در این مرحله نیاز به تمرین بیشتر داشته باشد می‌تواند با مراجعه به کلمات هم‌خانواده، وزن واژه‌ی موردنظر را بیابد. تعیین وزن کلمه هم به پیدا کردن حروف اصلی و زائد می‌انجامد. در مورد واژه‌ی «جنود» به خاطر داشته باشیم که «جند» و یا «جُندی» از کلمات هم‌خانواده‌ی این واژه است.

پس از پایان تمرینات مناسب است که دقایقی از وقت کلاس را بار دیگر به تمرین روی موضوع وزن‌یابی اختصاص دهیم. به این منظور از گروه‌هایی که در کلاس تشکیل داده‌ایم استفاده می‌کنیم و ابتدا از هر یک از گروه‌ها می‌خواهیم که واژه‌هایی را که می‌گوییم (نفس، رسول، یَدُهْب و ...) قالب‌سازی کنند. در مرحله‌ی دوم از آن‌ها می‌خواهیم که واژه‌های هم‌خانواده‌ی کلمه‌ی موردنظر را پیدا کنند و در مرحله‌ی سوم مسابقه را به تعیین حروف اصلی و زائد اختصاص می‌دهیم.

ترجمه‌ی تصویری

از جمله تمریناتی که به ایجاد فضایی پرتحرک و با نشاط کمک می‌کند، توجه و اهتمام به تمریناتی از قبیل ترجمه‌ی تصویری است. برگزاری نمایشگاه‌هایی از کارهای دانش‌آموزان در این زمینه به همراه فعالیت‌ها و کارهای دیگر می‌تواند آموزش و یادگیری این درس را بهتر و هموارتر کند. از طرفی دیگر دانش‌آموز زمانی که برای یافتن و یا ترسیم یک تصویر مناسب برای یک جمله صرف

می‌کند، تلاش می‌کند مفهوم و معنای عبارت عربی را دقیق دریابد تا بتواند تصاویری را که مناسب با آن جمله‌ی عربی است پیدا کند و یا ترسیم نماید. علاوه بر جملات مطرح شده، گاهی می‌توانیم جملات دارای واژه‌های بیشتر را نیز مطرح کنیم و از دانش‌آموزان تصاویری مناسب با آن جمله را بخواهیم. از جمله تصاویری که می‌توان برای عبارت «أخبار مهمة جداً» در نظر گرفت؛ تصاویر ذیل است:

– فردی که بلندگویی دست گرفته و فریاد می‌زند!

– روزنامه فروش در حال فروش روزنامه!

– فردی که پنهانی از جایی استراق سمع می‌کند!

– تصویر یک همایش!

– حیوانی که مترصد شکار از یک فوج از حیوانات است!

– و ...

الدراسات القرآنية



برای این که به این باور برسیم که آموخته‌های ما می‌تواند در یافتن معانی آیات قرآن مؤثر باشد، این تمرینات در ذیل این عنوان گردآوری شده است. در تمرین اول با در نظر گرفتن معانی کلمات ذکر شده، لازم است در جای خالی کلمه‌ای را که معنای واژه‌ی مورد نظر در آن جا آمده قرار دهیم. به عنوان مثال، معنای «مسروراً» عبارت است از «شاد و خوشحال». در سه جمله‌ی ذکر شده این معنا در جمله‌ی اول آمده است و لذا به جای نقطه چین این واژه را قرار می‌دهیم. کلمه‌ی «فرح» فعل است و لذا با کلمه‌ی «مسروراً» این تفاوت را دارد که باید علاوه بر معنای «خوشحالی» دلالت بر زمان را نیز افاده کند و از این رو تنها «شادمان و خوشحال» نمی‌تواند معنای این کلمه باشد. در ترجمه‌ی مورد نظر در کتاب واژه‌ی «فرح» به صورت «خوشحال می‌شود» آمده است که با ظاهر ماضی این فعل تناسبی ندارد. برای رفع این مشکل می‌توانیم به بچه‌ها بگوییم که این نوع ترجمه به خاطر وجود کلمه‌ی «إذا» (زمانی که، وقتی که) در عبارت است. هر گاه به این واژه برخورد کردیم گاهی می‌توانیم فعل ماضی به کار برده شده در جمله را به صورت مضارع ترجمه کنیم!

* در تمرین دوم نیز آموخته‌های دانش‌آموز در مورد وزن‌یابی در آیات قرآن به کار گرفته می‌شود. او با خواندن آیات یک مجموعه باید دریابد که در سه آیه مطرح شده، یک وزن وجود دارد که در هر سه آیه مشترک است. به عنوان مثال در مجموعه‌ی اول «وزن» «فاعل» در هر سه آیه وجود دارد: عالم، غافر (قابل)، کاتب و همین‌طور در دو مجموعه‌ی دیگر!